

فهرست

نگاهی اجمالی به این مجموعه	نگاهی اجمالی به این مجموعه
آدَبِیاتِ مُعاصرِ ایران	آدَبِیاتِ مُعاصرِ ایران
آدَبِیاتِ داشتاني	آدَبِیاتِ داشتاني
مُحْسِّنْ كُنْگَرْ نُوِيْسَنْدِيْكَانْ اِيرَانْ	مُحْسِّنْ كُنْگَرْ نُوِيْسَنْدِيْكَانْ اِيرَانْ
آشَنْي، مُتوَّجْهَرْ	آشَنْي، مُتوَّجْهَرْ
آزِينْپور، بِحَسِيْن	آزِينْپور، بِحَسِيْن
آلِ أَمْهَد، جَلَال	آلِ أَمْهَد، جَلَال
مُدِيرِ مَدْرِسَه	مُدِيرِ مَدْرِسَه
آخَوانِ ثالِث، مَهْدَى	آخَوانِ ثالِث، مَهْدَى
أَدِيبِ زَيْشَابُورِي	أَدِيبِ زَيْشَابُورِي
إِنْصَاصَيِي، يَرُوبَين	إِنْصَاصَيِي، يَرُوبَين
إِنْصَاصَيِي، يُوسُف	إِنْصَاصَيِي، يُوسُف
أَفْراشْتَه، مُحَمَّدْ عَلَى	أَفْراشْتَه، مُحَمَّدْ عَلَى
أَفْسَر	أَفْسَر
إِقْبَالِ لَاهُورِي، مُحَمَّد	إِقْبَالِ لَاهُورِي، مُحَمَّد
الْفَتِ إِضْفَهَانِي، مُحَمَّدْ باقر	الْفَتِ إِضْفَهَانِي، مُحَمَّدْ باقر
أَمِيرِي فِيروزْ كوهِي	أَمِيرِي فِيروزْ كوهِي
آمِينْپور، قِيَصَر	آمِينْپور، قِيَصَر
آمِشْتا، مَهْرَدَاد	آمِشْتا، مَهْرَدَاد
ابْرَجْ مِيرَزا	ابْرَجْ مِيرَزا
اِيرَانِي، نَاجِم	اِيرَانِي، نَاجِم

ده شاعران و نویسندها معاصر

- باشتاني پاريزى، محمد ابراهيم
بدایع نگار، میرزا مهدی
بدایع الزمانی، عبد الحمید
بدایع شیرازی
بدآذین، م.ا. (محمود اغناطوز)
بهار، محمد تقی
بهبهانی، سیمین
بهرنگی، صمد
بهروز، ذبیح
جیجک علیشا
پاینده، ابوالقاسم
پاینده لکرودی، محمود
پرویزی، رسول
پژمان بختیاری، حسین
توالی، فریدون
تهران مخوف
چغفارخان آز فرنگ آمده
جمال زاده، سید محمد علی
یکی بود و یکی نبود
چوبک، صادق
تنگسیر
حالت، ابوالقاسم
چجازی، میر محمد
حمید سبزواری
حمید مصدق
حمدی، سید مهدی
خُشروی کرمانشاهی (محمد باقر میرزا)

فهرست

یازده

شَقْس و طُغْرَا	شَقْس و طُغْرَا
دَائِنْتُور، سِيمِين	دَائِنْتُور، سِيمِين
دَشْتِي، عَلَى	دَشْتِي، عَلَى
دُولَتْ بَادِي، حاجِي مِيزَراخْجِي	دُولَتْ بَادِي، حاجِي مِيزَراخْجِي
دِهْخُدا	دِهْخُدا
رَادِي، أَكْبَر	رَادِي، أَكْبَر
رَعْدِي آذَرْخُشِي، غُلامَعْلَى	رَعْدِي آذَرْخُشِي، غُلامَعْلَى
رَفْعَتْ، تَقِي	رَفْعَتْ، تَقِي
رَهِي مُعَبِّرِي،	رَهِي مُعَبِّرِي،
زَيْنُالْعَابِدِينْ مَرَاغِي	زَيْنُالْعَابِدِينْ مَرَاغِي
سِيَاحَتْنَامَة إِلَاهِيْمِيْنِگ	سِيَاحَتْنَامَة إِلَاهِيْمِيْنِگ
سَاعِدِي، غُلَامُخْسِين	سَاعِدِي، غُلَامُخْسِين
چَوْبْ به دَشْهَمِي وَرَزِيل	چَوْبْ به دَشْهَمِي وَرَزِيل
عَزَادَارَانِ بَيْل	عَزَادَارَانِ بَيْل
سِپَانِلُو، مُحَمَّدْ عَلَى	سِپَانِلُو، مُحَمَّدْ عَلَى
سِيَهْرِي، سُهْرَاب	سِيَهْرِي، سُهْرَاب
سَرْمَد، صَادِق	سَرْمَد، صَادِق
سَيَّاح، فَاطِمَه	سَيَّاح، فَاطِمَه
شَامُلو، أَمْهَد	شَامُلو، أَمْهَد
شَاهْرُودِي، إِنْهَايِيل	شَاهْرُودِي، إِنْهَايِيل
شَهْرِي، جَعْفَر	شَهْرِي، جَعْفَر
شَهْرِيَار، مُحَمَّدْ حُسَيْن	شَهْرِيَار، مُحَمَّدْ حُسَيْن
شِكْرَتْلَاخ	شِكْرَتْلَاخ
شِيَيْنَانِي، مَنْوِيجَهْر	شِيَيْنَانِي، مَنْوِيجَهْر
صَادِقِي، بَهْرَام	صَادِقِي، بَهْرَام
صُبْحِي مَهْتَدِي، فَضْلُ اللَّه	صُبْحِي مَهْتَدِي، فَضْلُ اللَّه
صَنْعَتِي زَادَهْ كِرْمَانِي	صَنْعَتِي زَادَهْ كِرْمَانِي

دوازده شاعران و نویسنده‌گان معاصر

دامگشتران یا اینقاخواهان مژدک
طالیوف، عبدالرحیم
سفینه طالبی
عارف قزوینی
عالماج قائم مقامی
عیزت نایینی
عشقی، سید محمد رضا
علوی، بزرگ
چشنهایش
علیزاده، عزاله
فرخزاد، فروغ
فرخی پرذی
فرزاد، مسعود
فرصت شیرازی
فصیح، اسماعیل
قهرمان، محمد
کسرایی، سیاوش
کلیوم تنه
کمال شهربازاد، رضا
گلچین گیلانی
گلشیری، هوشنگ
شازده احتیاج
لاهوقی، ابوالقاسم الهمایپور احمد
محمود، احمد (آحمد عطا)
همسایه‌ها
مستغان، حسینقلی
مشرف، حسین

فهرست

سیزده

دَهْ نَفَرْ قِزِّلْبَاش
كَشْعَوْد، مُحَمَّد
مُشِيرِي، فَرِيدُون
مَلْكُمْخَان، مِيزَا
مُنْزُوْي، حُسْيِين
نَادِرْبُور، نَادِر
نِظامِ وَفَا
نَقِيسِي، سَعِيد
نِيا يُوشِيج
وَاعِظِ قَرْوِينِي
هِدايَت، رِضَا قُلْيَخَان
هِدايَت، صَادِق
بُوفِ كُور
حاجِي آقا
زَنْدَه بِهْ گُور
سَايِه رُوشَن
سَكِ وُلْگَرْد
سَهْ قَطْرَه خُون
عَلْوِيَه خَانَم ← نَك : وِلْنِگَارِي
بِيرْنِگِشَان
وَغْوَغْ سَاهَاب
وِلْنِگَارِي
يَهْمَايِ جَنْدَق
يَعْمَايِ، حَبِيب
يَكُلِيا وَ تَهْمَايِ او

بخشی از کارهای احمد شاملو از این نوع است. جریانهای دیگر یکی «موج نو» بود که شاعران جوانی به نام «گروه طرفه» پدید آوردند و دیگری «شعر حجم» بود که بیانیه آن را گروه دیگری از شاعران جوان به میدان داری یدالله رؤیایی در سال ۱۳۴۸ ش امضا کردند. نثر فارسی هم در این دوره با اقبال به ساده‌نویسی از انزوای گذشته بهدر آمد و در کنار شعر اعتبار ادبی پیدا کرد. داستان‌نویسی هم، به معنی نوین آن، تقریباً هم‌زمان با شعر نیایی در ادب فارسی پدید آمد. بنابراین، آغاز نثر معاصر فارسی را هم مانند شعر باید از ابتدای قرن چهارم در نظر گرفت. نخستین داستان کوتاه به شیوه امروزین را فارسی شکر است از جمال‌زاده و نخستین رمان را تهران مخوف مشق کاشانی باید دانست. گذشته از شعر و داستان‌نویسی، مقاله‌نویسی و نقد ادبی به صورت نوین آن هم از دوره مشروطه به بعد در زبان فارسی معمول شد. از میان نامهای برگسته در زمینه مقاله‌نویسی و نقد ادبی می‌توان به دهخدا، بهار، فروزانفر، عباس اقبال آشتیانی، مجتبی مینوی، محمد قزوینی و در نسل نویر به خانلری، زرین‌کوب، اسلامی ندوشن، یوسف و شفیعی کدکنی اشاره کرد.

مقاله «ادبیات داستانی» با گزارشی درباره نخستین رمان‌نویسان ایرانی آغاز می‌شود که آثارشان ثرہ برخورد تجدّد با جامعه سنتی است. مبحث رمان‌نویسی را نخستین بار میرزا فتحعلی آخوندزاده در سال ۱۲۵۰ ش آغاز کرد. او «فن رمان را متضمن فواید ملت و مرغوب طبایع خوانندگان» دانست و به دو ویژگی رمان، آموزنندگی و سرگرم‌کنندگی، اشاره کرد. پس از آن مترجمان نخستین رمانهای اروپایی در عصر قاجار کوشیدند تا نوع ادبی جدید رمان را وارد ادبیات ایران کنند. از این‌رو، پس از مشروطیت شاهد پیدایش سه نوع داستان به صورت رمان تاریخی، رمان اجتماعی و داستان کوتاه بوده‌ایم. در این مقاله به تفصیل با مشهورترین داستان‌نویسان معاصر و مهم‌ترین آثار آنها آشنا می‌شویم.

در پی این مقاله و مقاله مربوط به «نخستین کنگره نویسندهای ایران»،

نگاهی اجمالی به این مجموعه

هدفه

که «نخستین صحنه زورآزمایی موج نو گروه کهنه» دانسته شد، به ترتیب الفبا، به معروف نویسندها و شاعران ادب معاصر و مهم‌ترین آثار آنها پرداخته شده است، که نخستین آنها منوچهر آتشی شاعر نوپرداز و مترجم و روزنامه‌نگار معاصر از مردم روستایی از توابع بوشهر است، او خود را «شاعر خلف نیا» می‌داند، با این‌همه اشعاری نیز در قالب رباعیات و ترانه‌هایی به سبک فایز دشتستانی دارد. مضمونهای اشعار او بیان حسرت و نالمیدی از گذشتہ باشکوه از دست رفته است. تصاویر او همان تصاویر اقلیمی است که سبب می‌شود که شعرش از جهت تصویری قوی، غنی و اصیل شود. پس از آن محتواهای اشعار او از اقلیمی به شهری می‌گراید و بیان حماسی به غنایی تبدیل می‌شود.

در مقاله دیگر از یحیی آرین‌پور اهل تبریز سخن گفته می‌شود که در شعر «دانش» تخلّص می‌کرد و از این‌رو با نام «یحیی میرزا دانش» شناخته می‌شد و بعدها نام خانوادگی «آرین‌پور» را برگزید. او ادب کهن فارسی را خوب می‌شناخت. پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه او به کار در وزارت دارایی پرداخت و در سالهای بازنیستگی توانست روایت بلند و دقیق از سیر فرهنگی و ادبی ایران در دوره قاجار و پس از آن را در دو جلد با عنوان از صبا تا نیما (۱۳۵۰ش) و از نیما تاروزگار ما (۱۳۷۴ش) به دست دهد. او در این اثر چشم‌انداز گسترده و روشنی از ادب و فرهنگ دوره قاجار و بخشی از دوره پهلوی را فراییش خواننده می‌نمهد.

مقاله جلال آل‌احمد، نویسنده و منتقد اجتماعی مشهور، سومین مقاله این مجموعه است. کار ادبی خود را با چاپ داستان «زیارت» در مجله سخن (۱۳۲۴ش) آغاز کرد. در پی آن داستانهای بلند سرگذشت‌کنده‌ها (۱۳۳۳ش) و نون والقلم (۱۳۴۰ش) را نوشت؛ بهترین آنها مدیر مدرسه است که برخوردي انتقادی با نظام آموزش و پرورش است، و معرفی آن در پی این مقاله آمده است. پس از آن سفرنامه حجّ او، به نام خسی در میقات (۱۳۴۵ش) به‌سبب نثر درون‌گرایانه آن شهرت بیشتری دارد. اثر

دیگر او غربزدگی است که کیفیتی جدلی و احساسی دارد. از کارهای دیگر او باید به ترجمه‌های آثاری از کامو، داستایوسکی، سارت، زید، یونکر و یونسکو اشاره کرد.

مهدی اخوان ثالث موضوع مقاله بعد است؛ او یکی از بر جسته‌ترین شاگردان نیما بود. هم در شعر سنت‌گرا و هم در شیوه نیایی آثار پراهمیتی آفرید و در صفت نخست شاعران ایران در سده بیستم جای گرفت. سروده‌هایش را با نام مستعار م. امید منتشر می‌کرد. تعلق خاطر عمیق به ادبیات کهن ایران داشت؛ با مطالعه و کنجدکاوی منظم در آثار ادبی پیشینیان به مقام یک ادیب بر جسته ایرانی رسید. شاعر مشهور دیگر پس از او، پروین اعتصامی است که دیوان قصاید و مثنویات و مقطوعات نخستین بار در سال ۱۳۱۴ش با مقدمه ملک الشعرا بهار انتشار یافت. سبک او آمیزه‌ای از سبک خراسانی و سبک عراقی است. اشعارش در شمار ادبیات تعلیمی و حاوی مضامین اخلاقی و اندرزی است. پدرش، میرزا یوسف خان اعتصام‌الملک ادیب، مترجم، نویسنده و کتاب‌شناس بر جسته‌ای بود.

مقاله بعد درباره محمد اقبال لاهوری شاعر فارسی‌گوی و متفسّر پاکستانی است که آثار او به سه زبان فارسی، اردو و انگلیسی است. مهم‌ترین اثر فارسی او که به شعر است یکی اسرار خودی است و دیگری مجموعه پیام شرق که در یاسخ به دیوان غربی-شرقی حکیم آلمانی، گوته، سروده شده است. امیری فیروزکوهی، شاعر و ادیب معاصر، متخلص به «امیر» از دیگر شاعران این مجموعه است که او را از احیاکنندگان سبک هندی در دوره معاصر دانسته‌اند.

شاعر و نویسنده بعد قیصر امین‌پور عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی است که اهل اندیشه و ادب همگی پختگی، ملاحت، مهربانی، خلق و خوی تساهل داشتن، مدارا کردن و صداقتی زلال و روحی عربیان داشتن و دور بودن از جنجالهای رسانه‌ای را از ویژگیهای شخصیتی و اخلاقی او بر شمرده‌اند. آثارش به صورت مجموعه‌هایی به نام در کوچه

آفتاب، تنفس صبح، منظومه ظهر روز دهم، مثل چشمه مثل رود، آینه‌های ناگهان و به قول پرستو انتشار یافته است. اشعارش با به «اعتقادی»، «اجتนาعی و انتقادی»، «عاشقانه» و «درونگرا و هستی‌شناختی» دسته‌بندی کردند.

از دیگر شاعران مشهور و برجسته معاصر این مجموعه ایرج میرزا است که از اشعار او در حدود چهارهزار بیت در قالب‌های مثنوی، قصیده و قطعه، برجای مانده است و آنها را به دو دسته عمده می‌توان تقسیم کرد. دسته اول اشعاری است که به تقلید از پیشینیان، به سبک خراسانی و مخصوصاً به سبک فرخی سیستانی سروده شده است، و دسته دوم اشعاری است که سرشار از نوآوری و بسیار روان و دلپذیر است. ارزش ادبی کار او به سبب همین شعرهای است و به همین سبب، برخی او را «نخستین علمدار تجدّد سیاسی» خوانده‌اند. مشهورترین افراد در هزل و هجو منظومه عارف‌نامه است. این منظومه و منظومه زهره و منوچهر او بارها به طبع رسیده است. از مهم‌ترین مقالات این مجموعه که به ترتیب حروف الفبا، پس از مقاله ایرج میرزا آمده است در معرفی محمد تقی بهار، ملک‌الشعراء، شاعر، روزنامه‌نگار، ناینده مجلس، وزیر، استاد دانشگاه و عضو فرهنگستان ایران است که بین سالهای ۱۲۶۵ و ۱۳۳۰ ش می‌زیست. از نوجوانی به شعر سروden روی آورد. با نخستین قصیده‌ای که در مراسمی خواند همه حاضران را مسحور حدّت ذهن و دقّت بیان خویش کرد. در جوانی روزنامه نوبهار را در مشهد تأسیس کرد. در دوره چهارم و پنجم و ششم مجلس به نایندگی انتخاب شد. آثار منثور و منظوم او متنوع است و انواع شعر سنتی و شعر به زبان محلی و ترانه و مقاله و رساله تحقیق و نمایشنامه و تصحیح متون و ترجمه و سبک‌شناسی نظم و نثر، دستور زبان را در بر می‌گیرد. مهم‌ترین اثر او دیوان اشعار اوست که کارنامه عمر او نیز به شمار می‌رود. کتاب سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نشر فارسی در میان آثار تحقیق او ممتاز است. منظومه چهار خطابه، اندرزهای آذرباد ماراسفندان، ترجمه یادگار

بیست

ادبیات معاصر ایران

زیرiran، زندگانی مانی، تصحیح تاریخ سیستان، تصحیح رساله نفس ارسسطو، ترجمه بابافضل، تصحیح مجلل التواریخ والقصص، تاریخ مختصر احزاب سیاسی از دیگر آثار تحقیق اوست.

سیمین ہبھانی از دیگر شاعران و نویسندهای است که در مقاله‌ای در این مجموعه معرفی شده است. او خیلی زود به مطالعه و فعالیت ادبی روی آورد. هم در شعر صاحب اثر است و هم در نثر. نثرش درست و رسا و ساده و ادبی است که گاه به شعر نزدیک‌تر می‌شود. بیشتر آثارش در مجموعه‌ای در سه جلد با عنوانهای یاد بعضی نفرات، مجموعه داستانها و یادنوشتها و مجموعه اشعار چاپ شده است. دیگر آثارش در این مقاله در بیست و شش عنوان، همراه با محل نشر و تاریخ نشر آنها، و همچنین مختصات شعری او، از جهت قالب، وزن، تصاویر خیال، زبان و درونایه به تفصیل معرفی شده است.

مقاله دیگر مربوط به فریدون تولی، شاعر و طنزنویس نامدار معاصر با معرفی آثار او در انتقاد از اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان، به صورت قطعه‌های نثر و نظم، با عنوان *التفاصیل آغاز می‌شود که نام او را برسر زبانها انداخت*. او در این قطعه‌ها از الگوی کهن مقامه‌نویسی، مانند گلستان سعدی بهره می‌گرفت. شعرهای او در مجموعه‌های رها، ناف، پویه، شگرف، بازگشت و شعله کبود گرد آمده است. نویسنده مقاله سبک او در شعر را به تفصیل بررسی کرده و شعر او در دوره نخست نوگرایی متأیل به سنت و دوره دوم سنت‌گرایی متأیل به نو خوانده است.

سید محمدعلی جمالزاده، نویسنده نخستین مجموعه داستان جدید ایران و از مهم‌ترین چهره‌های ادبیات فارسی در قرن بیستم از دیگر نویسندهای است که در این مجموعه به معرفی زندگی و آثار او پرداخته شده است. او نخستین مرحله از زندگی ادبی خود را با درگیری در سیاست و روزنامه‌نگاری آغاز کرد. اما فعالیت سیاسی او دیری نپایید و به زودی در برلین به گروه نویسنده‌گرددامه حول مجله کاوه پیوست. او نخست

نگاهی اجمالی به این مجموعه بیست و یک

مقالات سیاسی و تاریخی می‌نوشت. نخستین کتابش گنج شایگان تحقیق علمی درباره اقتصاد است. پس از آن به ترجمه آثار ادبی و تاریخی دست زد و کتابهایی از برناردن دومن پیر، شیلر، مولیر، ایبسن و گووینو را به فارسی ترجمه کرد. اما آنچه نام او را زنده نگه داشته است داستانهای اوست. مهم‌ترین آنها فارسی شکراست، یکی بود یکی نبود، دارالمجانین، قلتشن دیوان، راهآب‌نامه، تلخ و شیرین، غیر از خدا هیچ‌کس نبود و قصه‌ما به سر رسید است.

صادق چوبک نیز از دیگر نویسندهای است که شرح زندگی و آثارشان در این مجموعه آمده است. کار ادبی را با ترجمه آثاری از یوجین اونیل، آرتور شنیتسler و لاورنس آغاز کرد که در مجلات سخن و مردم به چاپ رسید، و پینوکیو اثر کارلو کولودی را با نام آدمک چوبک به فارسی برگرداند. داستان نویسی او هم با مجموعه داستان خیمه شب بازی مشتمل بر یازده داستان آغاز شد. دیری نگذشت که دومین مجموعه داستان او با نام انتربی که لوطی اش مرده بود انتشار یافت. اثر دیگر چوبک تنگسیر است که اثر متفاوتی در میان کارهای اوست. این اثر در مقاله جدایهای پس از این مقاله، به عنوان یکی از معروف‌ترین رمانهای «رئالیستی» در زبان فارسی، معرفی شده است.

میرمحمد حجازی، ملقب به مطیع‌الدّوله، معروف‌ترین رمان‌نویس ایرانی به سبک رمانیک است. او در سال ۱۳۰۰ش. از طرف دولت برای ادامه تحصیل به اروپا فرستاده شد. پس از هشت سال به ایران بازگشت. اوّلین اثرش، به نام هما، را در سال ۱۳۰۴ش در پاریس نوشت و در سال ۱۳۰۷ در تهران منتشر کرد، و به عنوان یکی از آغازگران رمان‌نویسی به سبک اروپایی در ایران شهرت یافت. چندی بعد کتاب آیینه را نوشت. آثار او را می‌توان در چهار گروه دسته‌بندی کرد: رمانها، مقاله‌ها و داستانهای کوتاه، نمایشنامه‌ها، و تأثیفها و ترجمه‌ها. رمانهای او، علاوه بر هما و آیینه، عبارت‌اند از پریچهر، زیبا و پروانه. شروحه همه آنها واقع‌گرایانه است.

مقالات بعدی، که چنان‌که گفتیم به ترتیب الفبایی تنظیم شده‌اند، از زندگی و آثار نویسنده‌گان دیگری مانند خسروی کرمانشاهی، نویسنده رمان سه جلدی شمس و طغرا و سیمین دانشور، مشهورترین نویسنده زن ایرانی، نویسنده کتاب معروف سو و شون، علی دشتی نویسنده، روزنامه‌نگار و سیاستمدار معاصر، و علی‌اکبر دهخدا، ادیب و شاعر و منتقد اجتماعی معاصر سخن می‌گوید. مهم‌ترین اثر دهخدا، علاوه بر امثال و حکم، لغت‌نامه است که، به گفتهٔ محمد فزوینی، «شاهکاری» است که «بعد از اسلام، تاکنون برای زبان فارسی نظری آن، بلکه چیزی که در جزو هزارم نیز شبیه آن باشد، از هیچ‌جا و هیچ‌کس سراغ داده نشده» است. پس از آنها از جمله به معروف زندگی و آثار مشهورترین چهره‌های ادبی معاصر، غلامحسین ساعدی و دو اثر معروف او، چوب به دسته‌ای ورزیل و عزادران بیل؛ سهراب سپهری، احمد شاملو، محمدحسین شهریار، عشق، بزرگ علوی و اثر معروف او، چشمهاش، فروغ فرخزاد، گلشیری و شازده احتجاب او، فریدون مشیری، نادر نادرپور، نیما یوشیج، صادق هدایت و آثار معروف او، بوف کور، حاجی‌آقا، زنده به گور، سایه روشن، سگ ولگرد، سه قطره خون، علویه خانم، نیرنگستان و وغوغ ساهاب پرداخته شده است. آخرین مقاله در معروف کتاب مشهور یکلیا و تنها بی او، اثر مشهور تقی مدرّسی است.

از ساعدی هشت جموعه داستان منتشر شده است. بیشتر آثار او در زمینهٔ ادبیات نمایشی شامل بیش از نوزده نمایشنامه است. سهراب سپهری هم شاهر و هم نقاش. نبوغ هنری و فعالیتهای ادبی او در دههٔ چهل به اوج شکوفایی رسید. او در این دهه صدای پای آب، مسافر، حجم سبز، ما هیچ، مانگاه را سرود و در سال ۱۳۵۶ ش هشت دفتر شعر خود را در یک جموعه با عنوان هشت کتاب منتشر کرد. در مقاله سهراب سپهری تفسیر جامع، دقیق و قابل توجهی از مضمون آثار او به دست داده است. احمد شاملو نویسندهٔ شاعر، قصه‌نویس و پایه‌گذار «شعر سپید» در

نگاهی اجمالی به این مجموعه

بیست و سه

ایران است. آثار او را می‌توان در پنج حوزهٔ متنوع دسته‌بندی کرد: شعر، روزنامه‌نگاری، ترجمه، ادبیات عامّه و شعر و قصه برای کودک و نوجوان. شهرت عمده‌ای در شعر، به دلیل پایه‌گذاری روش جدید در شعر نو فارسی و پیروی از سبک شاعران غربی در شکستن قیود و بی‌اهمیّت داشتن وزن در شعر و ایجاد شیوهٔ نو است.

زندگی و آثار شهریار، شاعر نامدار و ذولسانین معاصر، در مقالهٔ بلندی در این مجموعه معرفی شده است. بیشتر شعرهای او در قالبهای سنتی است. گرایش او به غزل و مثنوی محسوس‌تر است. غزل‌ایش عاشقانه، عرفانی و مذهبی است. او شعرهای نیمه‌سنتی هم دارد که براساس دستکاری صورهای سنتی، از نظر تغییر قافیه‌بندی و تقسیم‌بندی هر شعر بر قسم‌هایی متشکّل از تعداد ثابتی از ایات و مصraعها، شکل‌گرفته است. اکثر این‌گونه شعرهای او صورت دستکاری شده مسمّط، ترجیع‌بند و ترکیب‌بند است. بر جسته‌ترین نمونه آنها «دو مرغ بهشتی» و «هذیان دل» است. شهریار به ترکی نیز شعر سروده است، و از این نظر شاعری ذولسانین است که، در هر دو زبان، آثار شعری بر جسته و مردم‌پسند دارد.

عشق شاعر و روزنامه‌نگار انقلابی معروف دورهٔ مشروطه از نوجوانی به سرودن شعر روی آورد. بخش قابل توجهی از آوازه او به‌سبب هجویه‌های تلح و نیشدار و سرشار از عصیان و اعتراض اوست. اهمیّت او در تاریخ شعر فارسی عمده‌ای مرهون سروده‌های نوگرایانه ایست. او از جمله نخستین شاعران پس از مشروطه است که به ضرورت ایجاد تحوّل در اسلوب شعر فارسی و آنچه خود به «انقلاب ادبی» تعبیر می‌کرد وقوف یافته است. دیدگاه نوگرایانه او در باب شعر در مقدمهٔ منثور «نوروزی‌نامه» و «سه تاپلو مریم» توضیح داده شده است.

بزرگ‌علوی از پیشگامان داستان‌نویسی جدید، نخست، تحت تأثیر صادق هدایت، داستانهایی در ستایش شکوه ایران باستان نوشت، اما با انتشار نخستین مجموعه داستان خود، به نام چمدان بود که به عنوان یکی از

بیست و چهار

ادبیات معاصر ایران

پیشگامان داستان‌نویسی جدید ایران شناخته شد. مهم‌ترین دستاوردهای ادبی او مجموعه داستان نامه‌ها و رمان معروف چشم‌ها یعنی است که در مقاله‌ای جداگانه در پی این مقاله معرفی شده است. هیچ‌یک از آثار بعدی علوی، از نظر هنری و فکری، به پای این رمان نمی‌رسد.

فروغ فرخ‌زاد، از مشهورترین شاعران زن ایرانی معاصر، سرودن شعر را از سال‌های نوجوانی آغاز کرد. دو مجموعه شعر او که یکی به نام اسیر در سال ۱۳۳۱ش و دیگری به نام دیوار در سال ۱۳۳۵ش به چاپ رسید، یکی واکنش‌های مثبت و منفی تندی در پی داشت، و دیگری با استقبال فراوان رو به رو شد. سومین مجموعه شعر او در ۱۳۳۷ش انتشار یافت. او در همان سال به هنر سینما روی آورد و فیلم مستندی درباره جذامیان، به نام «خانه سیاه است» ساخت. انتشار تولیدی دیگر، چهارمین مجموعه شعر او در سال ۱۳۴۳ش تأثیری عمیق در جامعه ادبی و شاعران و نویسنده‌گان برجای نهاد. شعرهای دیگر او شش سال پس از مرگش در مجموعه‌ای به نام ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد به چاپ رسید.

هوشنگ گلشیری، از شناخته‌شده‌ترین داستان‌نویسان امروزین ایرانی کار ادبی خود را، از دوره آموزگاری در روستا، با گردآوری قصه‌های عامیانه و سرودن شعر آغاز کرد، ولی چندی بعد سرودن شعر را به شاعران واگذاشت و به داستان‌نویسی روی آورد، و شخصیت ادبی او هنگامی شکل گرفت که مجموعه داستان مثل همیشه و پس از آن رمان شازده احتجاج را منتشر کرد، که بهمن فرمان آرا براساس این رمان فیلم بلندی به همین نام ساخت که در سال ۱۳۵۳ش در جشنواره جهانی فیلم تهران برنده جایزه شد و بر شهرت گلشیری افزود. رمان شازده احتجاج در مقاله‌ای در پی مقاله مربوط به گلشیری به تفصیل معرفی شده است.

فریدون مشیری شاعر نویر داز معاصر فعالیت‌های مطبوعاتی خود را به عنوان خبرنگار روزنامه شاهد آغاز کرد و از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۵۱ش به مدت هجده سال با مجله روشنفکر همکاری نزدیک داشت و صفحه ادبی

نگاهی اجمالی به این مجموعه

بیست و پنج

آن را با عنوان «هفت تار چنگ» اداره می‌کرد. در ضمن این سالها با مجله سخن نیز همکاری داشت. بسیاری از خوانندگان شعر معاصر از طریق شعرهای او با شعر موسوم به نیایی آشنا شدند. در بررسی صورت شعری او دو نوع کلی قابل تفکیک است: یکی شعرهایی که در قالبهای سنتی، از جمله غزل، مثنوی، رباعی و دوبیتی، سروده است، و دیگری شعرهای نیایی که حاصل دستکاری در عروض سنتی است. او به طور کلی در قالبهای سنتی کمتر شعر سرود. مجموعه شعرهای او به ترتیب تاریخی عبارت‌اند از: تشنۀ طوفان، گناه دریا، ابر و کوچه، بهار را باورکن، از خاموشی، مروارید مهر، آه، باران، از دیار آشتی، با پنج سخن سرا، لحظه‌ها و احساس، آواز آن پرنده غمگین و تا صبح تابناک اهورایی. او، در سال ۱۳۴۵ش، براساس کتاب اسرار التوحید، صد ماجرا از شیخ ابوسعید فراهم آورد و با عنوان یکسونگریستن و یکسان نگریستن منتشر کرد.

نادر نادرپور شاعر نوپردازی است که ورود جدی او به عرصه شعر مصادف بود با جریان شعری که نیایوشیج و پرویز ناتل خانلری رقم زده بودند. خانلری با بدعتهای عروضی نیما مخالف بود و خود نمونه‌هایی در قالبهای کهن با معانی تازه عرضه کرد و نادرپور، با آنکه نیما را گشاينده راه تازه شعر می‌دانست، از خانلری تأثیر پذیرفت. احتمالاً یکی از دلایل مهمی که نادرپور شیوه شاعری نیما را چندان نپسندید این بود که نیما به تدریج از رمانیسم به سمبولیسم گرایش یافته بود و حال آنکه نادرپور به شعر احساس‌انگیز و رمانیک متأثیل بود. نادرپور در نخستین مجموعه شعرش با زبان و بیانی سلیس به سرودن شعر پرداخت و در مجموعه‌های بعدی هم به همان راه رفت. او برابری لفظ و معنی را از اساسی‌ترین علامت شعر خوب می‌دانست. او از میان قالبهای نیمه‌سنتی به چهارپاره و متفرّعات مسمط گرایش داشت. مجموعه‌های شعر نادرپور به ترتیب سالهای انتشار عبارت‌اند از: چشمها و دستها، دختر جام، سرمه خورشید، گیاه و سنگ نه، آتش، از آسمان تا ریسمان، شام بازی‌سین، صبح دروغین، خون و خاکستر،

بیست و شش

ادبیات معاصر ایران

زمین و زمان. از زمان چاپ نخستین شعر او تا آخرین شعر چاپ شده او، در مجموعهٔ اخیر، نزدیک به پنجاه سال فاصله است.

«نیا بوشیج»، شاعر معاصر و بنیانگذار شعر نو در ایران، در آبان ماه ۱۲۷۶ ش در دهکده «بوش» از توابع نور مازندران به دنیا آمد. خواندن و نوشتن را در زادگاه خود فراگرفت. در سالهای ۱۲۸۸ ش که خانواده‌اش در تهران اقام‌گزیدند، پس از طی دورهٔ دبستان، وارد مدرسهٔ متوسطه «سن‌لوبی» شد؛ در این مدرسه زبان فرانسه آموخت و کم‌ویش با شعر فرانسه آشنایی یافت، و به تدریج به سرودن شعر روی آورد. اشعار او را می‌توان به سه دستهٔ سنتی، نیمه‌سنتی و آزاد تقسیم کرد. اشعار سنتی او یادگار دوران جوانی اوست. زیان آن تا اندازه‌ای از ناهمواری‌های اشعار آزاد او برکنار است، چنان‌که بعضی او را در سرودن این نوع شعر توانایی دانسته‌اند تا در سرودن شعر آزاد. اشعار نیمه‌سنتی او ترکیبی از قالبهای ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مستزاد و مسمّط است که مصراعهای آنها، نه به صورت بیت، بلکه زیرهم نوشته می‌شود. آنچه جایگاه نیا را در تاریخ شعر فارسی تثبیت می‌کند شعرهای آزاد اوست که با شعر «قفنوس» آغاز می‌شود. در این اشعار تحول بنیادینی که نیا در حوزهٔ وزن و قافیه به وجود آورده است دیده می‌شود. نخستین کوشش او برای تحقق این تحول تجدیدنظر در تساوی طولی مصراعه‌است، بدین صورت که، به تناسب معنی، یک مصراع می‌تواند بلندتر از آنچه در نظر کلاسیک معمول است باشد. اشعار آزاد او کمتر از اشعار سنتی و نیمه‌سنتی اوست، چنان‌که از مجموع ۲۱۰ شعری که در مجموعهٔ اشعار او به چاپ رسیده است تعداد ۹۱ عنوان را شعرهای آزاد او تشکیل می‌دهد. نخستین دفتر شعری که از او انتشار یافته است مثنوی قصهٔ رنگ‌پریادهٔ خون سرد در پانصد بیت است که، به تعبیر برخی، هیچ افخاری برای شاعر آن به بار نیاورده است. اماً معروف‌ترین اثر منظوم نیا منظومهٔ مشهور افسانه است که در حوزهٔ اشعار نیمه‌سنتی او جای می‌گیرد. این منظومه را، نه تنها مهم‌ترین شعر رمان‌تیک نیا، بلکه، از

نگاهی اجمالی به این مجموعه بیست و هفت

جهانی، هنری ترین و عالی ترین فونه شعر رمانیک در ادبیات جدید فارسی دانسته‌اند. پس از آن اشعاری از او در مطبوعات انتشار یافت و از آن پس تا پایان عمر او دفتر شعری از او منتشر نشد، مگر گزیده‌ای از اشعار او که به سال ۱۳۳۲ش فراهم آمد.

صادق هدایت، داستان‌نویس مشهور ایرانی، در بهمن ماه ۱۲۸۱ش در تهران به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در مدارس تهران از جمله در مدرسه فرانسوی «سن لویی» سپری کرد، زبان فرانسه آموخت و با ادبیات فرانسه آشنا شد. در سال ۱۳۰۴ش برای ادامه تحصیل به اروپا رفت. کار داستان‌نویسی را در همان‌جا آغاز کرد. چند سالی پس از بازگشت به ایران، به دعوت دوستش، معاون کنسول ایران در بمبئی، به آن شهر رفت؛ در آنجا اثر مهم خود، بوف کور، را به صورت چاپ پلی‌کپی، میان دوستان خارج از ایران توزیع کرد. پس از بازگشت به ایران، بسیاری از آثار او در دهه ۱۳۲۰ش، در مجله موسیقی و سپس مجله پیام نو و ماهنامه مردم انتشار یافت. در سال ۱۳۲۹ش، به امید پیدا کردن کار، به پاریس رفت ولی پس از چندی، از شدت ناکامی در زندگی، خودکشی کرد و در همان شهر به حاک سپرده شد. مهم‌ترین آثار ادبی او شامل رمان، داستان کوتاه، غایشنامه و هجوبیه عبارت است از: پروین دختر ساسان، زنده به گور، سه قطره خون، علویه خانم، بوف کور، سگ ولگرد، حاجی‌آقا، توب مرواری، تحقیقات ادبی او عبارت است از رساییات خیام، انسان و حیوان، فواید گیاه‌خواری، جادوگری در ایران، سفرنامه اصفهان نصف جهان، اوسانه، نیرنگستان، گجسته اباليش، کارنامه اردشیر بابکان، گرایش گمان‌شکن، ترجمه شکنگمانیک ویزار، زند و همن یسن. در این مجموعه، پس از مقاله صادق هدایت، چنان‌که بالاتر گفتم، ده اثر از مهم‌ترین آثار او به ترتیبی که آنها را نام بر دیم معرفی شده است.

فرزانه رشیدی

۴ ادبیات معاصر ایران

الف. شعر. شعر دوره معاصر با نوآوریهای علی اسفندیاری (نیا یوشیج^{*}، ۱۲۷۶-۱۳۳۸ش) در قالب و محتوا، و به ویژه پس از سروده شدن منظومه بلند افسانه به سال ۱۳۰۱ش، آغاز شد. افسانه در محتوا کاملاً نو، و از نظر قالب تا حدی به سنت وفادار بود، اما چند سال بعد، نیا به کلی تساوی مصرعها را نادیده گرفت و اندیشه و قالب را از قیدهای سنتی رها کرد. شیوه شاعری او، که بعدها «شعر نو» یا «نیایی» نام گرفت، با استقبال جوانان و تحجّدگرایان مواجه شد، در حالی که سنتگرایان، با پرهیز از این شیوه، به سنتهای شعر «کلاسیک» فارسی وفادار ماندند. بنا بر این، دو شیوه نیایی و سنتی در شعر فارسی عملاً به موازات یکدیگر گسترش یافت. نیا بعدها نظریه ادبی خود را در کتابها و مجموعه مقالات خود، به ویژه در کتاب ارزش احساسات، به قلم آورد و راه را برای پیروان جوان خود هموار کرد. خود او تا پایان حیات چندین مجموعه شعر در قالب آزاد و نیایی پدید آورد، در حالی که شعرهای اولیه او عموماً به شیوه قدما و با رعایت وزن و قافیه و اصول کلاسیک سروده شده بود. از میان شاعران جوانی که بی تردید راه نیا را دنبال کردند، باید از احمد شاملو^{*} (۱۳۰۴-۱۳۷۹ش)، مهدی اخوان ثالث^{*} (۱۳۰۷-۱۳۶۹ش)، فروغ فرخزاد^{*} (۱۳۱۳-۱۳۴۵ش)، سهراب سپهری^{*} (۱۳۰۷-۱۳۵۹ش)، فریدون مشیری^{*} (۱۳۰۵-۱۳۸۰ش)، نادر نادرپور (۱۳۰۸-۱۳۷۹ش) و نسل بعد از آنها، یدالله رویایی، محمدعلی سپانلو، اسماعیل نوری علاء، منوچهر آتشی و محمد رضا شفیعی کدکنی یاد کرد.

شعر نو نیایی، علاوه بر گذشتن از مرحله وزن و قافیه به شیوه معمول و روی آوردن به نوعی قافیه و موسیقی درونی در «فورم»، از نظر محتوا نیز مسیر تازه‌ای را برگزید که در آن، به جای تکرار

کلیّات، به مسائل جزئی و تجربه‌های شخصی با نگاهی متفاوت و به دور از تقلید پرداخت. در این دوره، نیا و پیروان راستین او به نوعی تغّزل زمینی و توجه به واقعیت‌های ملموس و مسائل روزانه توجه کردند و در نتیجه برداشت و تلقی تازه‌ای از شعر ارائه دادند. به همین سبب، شعر این دوره به شدت اجتماعی و گاه سیاسی و رو در رو با مسائل حادّ زندگی است، تا آنچه که چالش شاعر با زندگی و لوازم آن به عمدت‌ترین مسئله تبدیل می‌شود. از طرف دیگر، استبداد سیاسی و تاریخی، که در این دهه‌ها بر جامعه ایرانی حکمران است، به موضوع عمدت‌های در پنهان شعر بدل می‌شود، که روی آوردن به رمزگرایی و پوشیده‌گویی، در مواردی که فضای سیاسی جامعه صراحةً را برخی تاید، از مسائل عمدت آن به شمار می‌رود.

شعر نیایی در مسیر خود، از آغاز دوره معاصر تا انقلاب اسلامی، دوره‌ها و رویکردهای خاصی را پشت سر گذاشته است. در دوره اول، یعنی عصر حکومت رضاشاه، فشار و محدودیت بسیاری را تحمل می‌کند. پس از رضاشاه، فضای سیاسی اندکی باز می‌شود، شعر هم به تنوع و گستردگی بیشتری دست می‌یابد و فضاهای متفاوت، از آن جمله مردم‌گرایی و تا حدودی نوعی سوسیالیسم اجتماعی و اقتصادی را تجربه می‌کند، که عمدتاً متأثر از انقلاب اکبر اتحاد شوروی و تأسیس حزب توده طرفدار آن در ایران است. از حدود سال ۱۳۳۲ش، که مسئله نفت و مداخله امریکا در ایران عده می‌شود، مسائل دیگری در عرصهٔ شعر پیش می‌آید که به جریانهای سیاسی داخلی از یک طرف و مسائل برون مرزی و جهانی از سوی دیگر پیوند می‌خورد. از سال ۱۳۴۲ش که مداخله امریکا در مسائل داخلی ایران آشکارتر می‌شود، شتاب سیاسی شدن در شعر نیایی فزونی می‌گیرد. در کنار آن تمایلات چریکی و نبرد مسلحانه، از یک

۴ ادبیات معاصر ایران

طرف، و اوچگیری مبارزات دینی و اجتماعی، از سوی دیگر، در جریانهای شعر معاصر تأثیر می‌گذارد، تا آنجا که شعر دهه چهل و پنجاه به کلی سیاسی و اجتماعی است و عملاً در برابر رژیم حاکم ایستاده است.

در همه این دوره‌ها، بر روی هم، حاکمیت بیشتر از جناح سنتی ادبیات حمایت می‌کند و می‌کوشد تا در مراکز دولتی، نظیر دانشگاهها و آموزشگاهها، آن را رسمیت بخشد. به همین دلیل، و نیز به دلیل انس تاریخی فرهنگ ایران با شعر سنتی و شناخته شده، باید انتظار داشت که جناح سنت‌گرای ادبیات، و به ویژه شعر سنتی، نه تنها به حیات خود ادامه دهد، بلکه به نمود و بالندگی عمدہ‌ای نیز برسد. علاوه بر اینکه از زمان خود نیما کسانی مانند محمدتقی بهار* و پیروان او، به دلایل مختلف، جانبدار شعر سنتی و مروق آن بودند. کسان دیگری مانند رعدی آذرخشی*، حبیب یغمایی*، مهدی حمیدی، رهی معیری*، پژمان بختیاری*، پروین اعتصامی*، محمدحسین شهریار*، امیری فیروزکوهی* راه پیشینیان را ادامه می‌دهند، حتی در جناح نوگرا هم، که ابتدا با نیما هم عنان بودند، تمایل به سنت فزوونی گرفت و دسته‌ای به سردمداری فریدون تولّی* و حمایت کسانی مانند پرویز ناتل خانلری و گلچین گیلانی* و تا حدودی نادرپور راهی از میانه سنت مطلق و تجدّد صرف برگزیدند که، به جای کنار گذاشتن همه لوازم ادبی گذشته، به قالب چهار پاره و مضمون تغزل روی آوردن (نک: زرین‌کوب، ص ۷۸). در این میان شیوه غزلسرایی کسانی مانند هوشنگ ابهاج (ه.ا.سايه) و سیمین بهبهانی* هم در عین وفاداری به قالب سنتی، بعدها و در ادامه، تازگیهای خاص خود را داشته است. در شعر نو نیایی هم تمایلات و گرایش‌های عمدی، در دوره‌ها و دهه‌های متفاوت، گوناگون است. در دوره اول، یعنی عصر رضاشاه،

چهره اصلی خود نیا است با تمایل عمدہ به نوعی رُمانتیسم^۱ اجتماعی و گونه‌ای رمزگرایی سیاسی. در دوره بعد، یعنی در فاصله شهریور ۱۳۲۰ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، صدای عمدہ نوعی گرایش کارگری و در شکل مکتبی آن سوسیالیستی و اجتماعی است. در دوره بعد، یعنی در فاصله بین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ش، علاوه بر ادامه همان رمانتیسم اجتماعی، به گونه‌ای سمبولیسم^۲ اجتماعی، از نوع شعر زمستان اخوان ثالث هم می‌توان رسید. پیدایی نوعی گرایش به اومانیسم^۳، به ویژه بعد از ترجمه آثار ژان پل سارتر^۴ به فارسی، و تأثیر آن در ذهن و زبان شاعران جوان این دوره، مسیر تازه‌ای است که اندک‌اندک به بینش فلسفی-اجتماعی رقیق می‌انجامد، چیزی که در دهه بعد، یعنی در فاصله خرداد ۱۳۴۲ و بهمن ۱۳۵۷ش، در شعر کسانی‌مانند فروغ فرخزاد، به ویژه پس از تولدی دیگر، ظاهر می‌شود. در این دهه شعر چریکی، هر چند به صورت امری گذرا، به ویژه پس از واقعه سیاهکل در سال ۱۳۴۹ش، در ادبیات معاصر فارسی مطرح می‌شود. این درحالی است که شعر مقاومت با تلفیق از سوسیالیسم و تمایلات دینی دست‌کم تا انقلاب اسلامی جریان عمدہ باقی می‌ماند. در سالهای دهه سی شمسی، علاوه بر ژان پل سارتر، از تأثیراتی. اس. الیوت^۵ (نک: شفیعی کدکنی، ص ۷۴) و تا حد کمتری مکنیس^۶ و آرتور رمبو^۷ و بودلر^۸ در شعر فارسی باید یاد کرد که تا اندازه‌ای به غنای ادبی و فراملتی آن کمک کرده است. در این سالها، یا اندکی بعدتر، آثاری از ادبیات ضد استعماری و ضد نژادپرستی

1. romantisme 2. symbolisme 3. humanisme

4. Jean Paul Sartre 5. T. S. Eliot 6. McNeice

7. Arthur Rimbaud 8. Baudelaire

۶ ادبیات معاصر ایران

افریقا و امریکای لاتین به فارسی ترجمه می‌شود و اندیشه‌های کسانی، مانند فراتتس فانون^۱، امه سزر^۲، پاز^۳، بورخس^۴ و لورکا^۵ در سیر ادب فارسی معاصر مؤثر واقع می‌شود. همین گرایش در سالهای دو دهه چهل و پنجاه، یعنی در آستانه انقلاب اسلامی، به شعر مقاومت مدد می‌رساند.

در دهه چهل، جریانهای تازه دیگری نیز در شعر معاصر فارسی پدید آمد، که از آن میان می‌توان به «شعر سپید» یا، چنان‌که برخی از منتقدان بعدها نوشتند، «شعرنو حاشیه‌ای» (نک: نوری علاء، ص ۵۵) اشاره کرد که گونه‌ای «شعر منثور» و فاقد هر نوع وزن و قافیه بود، و تنها بخشی از کارهای احمد شاملو در این مسیر قابل ذکر است. جریان دیگر چیزی بود که بعدها عنوان «موج نو» را به خود گرفت. موج نو در سال ۱۳۴۵ش، با انتشار «جزوه شعر» از سوی گروهی از شاعران جوان، که پیش از آن تحت عنوان «گروه طرفه» با هم گرد آمده بودند، رسیت یافت (نک: همان، ص ۸۶ به بعد). گروهی دیگر از شاعران جوان، به میدان داری یدالله رویایی، در زمستان ۱۳۴۸ش، بیانیه «شعر حجم» را امضا کردند (نک: رویایی، ص ۳۵)، که به دعوی آنان در این شیوه شاعر در جستجوی دریافتی «مطلق» از علّق غایی است که در «ماوراء واقعیّت» جای دارد. این جریانها به دلیل سرعت و حدّت اندیشه‌های سیاسی آستانه انقلاب در دهه پنجاه در بوئه اجمال ماند. تهمای شیوه‌ای که بعدها و به ویژه پس از انقلاب مورد توجه و تأکید قرار گرفت، شیوه نیمه عارفانه سه راب سپهری بود که از آن به گونه‌ای عرفان شرقی تعبیر می‌شد.

1. F. Fanon

2. Aimé Césaire

3. Paz

4. Borges

5. Lorca

شعر فارسی پس از انقلاب خود را با ارزش‌های نوین، و مفاهیم جدیدی که از رهگذر انقلاب عاید شده بود، هماهنگ ساخت و با استفاده از مایه‌های هنری گذشته شاخه نیرومندی از ادب انقلاب را ادامه داد و آثار بسیاری هم در دامن خود پدید آورد. این شاخه با تکیه بر پشتونه ادبی پیش از انقلاب و استفاده از عناصر دینی و ارزش‌های تازه اسلامی و اعتقادی، به عنوان جریان پیش‌کسوت و کمال یافته پا پیش گذاشت و نسل جوان و مستعد دیگری را در کنار خود پرورد که امروز ادامه دهنگان فضای دینی شعر معاصرند (نک: باقری و محمدی نیکو، ص ۳۵۳ به بعد).

شاخه جوان شعر امروز ایران عموماً در دامن انقلاب متولد شده و بیشتر از سرچشمه‌های آن برخورداری یافته است. سنّ و سال این گروه از شاعران ایجاد فی‌کند که از آب‌شور فرهنگی و ادبی پیش از انقلاب به طور مستقیم برخوردار شوند. این گروه، مولود و منادی انقلاب‌اند و آثاری که پدید می‌آورند حاوی اندیشه‌هایی است که اغلب به طور مستقیم از انقلاب برخاسته است. شعر انقلاب از نظر صورت بیشتر به قالبهای سنتی وفادار است، گو اینکه قالب نیایی و حقیقی شعر سپید و موج نو هم در آن آزموده شده است. از نظر محتوا فزوی مضامین دینی و انکاس معارف اسلامی و مفاهیم انتزاعی و تا حدودی عرفانی را می‌توان از مشخصه‌های بارز آن به شمار آورد (نک: یاحقی، ص ۲۰۵ به بعد).

رویارویی با مسائل دنیای جدید و تحولات جامعه ایران پس از انقلاب، به ویژه جریانهای مربوط به جنگ، جنبه‌های تازه‌ای در شعر معاصر فارسی پدید آورد که در میانه سالهای دهه شصت از آن به «موج سوم» تعبیر شد و اندکی بعد مورد نقد و سنجهش قرار گرفت (احمدی، ص ۵۵۶).

ب. نثر فارسی در گذشته‌ها، در مقایسه با شعر، در حاشیه و اغلب خاص موزّخان و منشیان درباری بود. اما، با اقبال به ساده‌نویسی و پدید آمدن نثر داستانی از انزوای گذشته به در آمد و در کنار شعر و گاه مهم‌تر از آن اعتبار ادبی لازم را پیدا کرد. نیاز به ساده‌نویسی در نثر فارسی از گذشته‌های دور آغاز شده بود. نثرهای صوفیانه و متون داستانی مانند سمک عیّار، ابو‌مسلم‌نامه، داراب‌نامه، طوطی‌نامه، و سرانجام هزار و یک شب و امیر‌اسلان زمینه را برای روی آوردن به ساده‌نویسی و غلبه زبان روایی هموار کرده بود. نهضت ترجمه در دوره قاجاری هم موجب دیگری برای ساده‌نویسی بود (یا حق، ص ۲۱۹). داستان نویسی، به معنی نوین آن، تقریباً هم‌زمان با شعر نیایی، یعنی از حدود ۱۳۰۰ش، در ادب فارسی پدید آمد. پیش از آن، نهضت رمان نویسی تاریخی (غلام، ص ۳۱؛ بالایی، ص ۳۵۲) زمینه را برای پیدایی رمان به شیوه جدید اروپایی فراهم آورده بود. نخستین رمان نو هم، مانند اوّلین داستان کوتاه، در همان سال ۱۳۰۰ش نوشته شد. بنابر این، آغاز نثر معاصر فارسی را هم مانند شعر باید از همان ابتدای سده چهاردهم ش در نظر بگیریم. نخستین داستان کوتاه به شیوه امروزین را فارسی شکر است از محمدعلی جمال‌زاده^{*} (متوفی ۱۳۷۶ش) و نخستین رمان را تهران مخفف^{*} مشقق کاظمی می‌داند که هر دو در حدود ۱۳۰۰ش نوشته شده است.

نوشن داستان کوتاه و رمان، پس از اندکی وقفه، از دهه بعد ادامه یافت، به این ترتیب که هم جمال‌زاده کار نویسنده را دنبال کرد و آثار داستانی دیگری نظری دارالمجانین (۱۳۲۱ش)، قلتشن دیوان (۱۳۲۵ش)، راه‌آب نامه (۱۳۲۶ش) و مجموعه داستانهای کوتاه یکی بود و یکی نبود^{*} (۱۳۰۰ش)، عموم‌حسین‌علی (۱۳۲۱ش) و تلحظ

و شیرین (۱۳۳۴ش) پدید آورد و هم داستان نویسان دیگر و توانایی مانند صادق هدایت^{*}، بزرگ علوی^{*} و صادق چوبک^{*} ظهر کردند که داستان نویسی فارسی را به مسیر تازه‌ای هدایت کردند. صادق هدایت (۱۲۸۰-۱۳۳۰ش)، که از نخستین دانشجویانی بود که در دوره حکومت پهلوی اوّل برای ادامه تحصیل به اروپا اعزام شد، از مهم‌ترین شخصیت‌های مؤثر در سیر داستان نویسی ایران بوده است. هدایت، پس از بازگشت از اروپا، نخستین مجموعه داستان کوتاه خود را، با عنوان زنده به گور (۱۳۰۹ش) منتشر کرد. سایه مغول (۱۳۱۰ش)، سه قطره خون^{*} (۱۳۱۱ش)، سایه روشن^{*}، علویه خانم^{*} (۱۳۱۲ش)، و بوف کور^{*} (۱۳۱۵ش)، مجموعه داستان سگ ولگرد^{*} (۱۳۲۱ش) و حاجی آقا^{*} (۱۳۲۴ش) از دیگر آثار داستانی بود. بوف کور بدون شک یکی از موفق‌ترین و باشکوه‌ترین آثار داستانی فارسی است که به شهرت لازم رسیده و به چندین زبان جهان ترجمه شده است. هدایت در این اثر راه تازه‌ای در داستان نویسی فارسی گشود که بعدها مورد تقلید و تتبّع نویسنده‌گان بسیاری قرار گرفت. آثاری که با توجه به این اثر نوشته شده در اصطلاح به «ادیتات بوف کوری» شهرت یافته است. بزرگ علوی (۱۳۷۵-۱۲۸۲ش)، که از دوستان صمیمی هدایت بود، بعدها در خارج از کشور با نشر آثار داستانی چندی، از جمله سه مجموعه داستان کوتاه چمدان (۱۳۱۳ش)، ورق پاره‌های زندان (۱۳۲۰ش)، نامه‌ها (۱۳۳۰ش)، و رمان پرآوازه چشم‌هایش^{*} (۱۳۳۱ش) مسیر داستان نویسی فارسی را با سبک و سیاق خاص خود ادامه داد. صادق چوبک (۱۳۷۷-۱۲۹۵ش)، نویسنده دیگری بود که با انتشار مجموعه داستان کوتاه خیمه شب بازی، چراغ آخر، روز اول قبر و رمانهای پرآوازه و پرماجرای تنگ‌سیر^{*} و سنگ صبور، داستان نویسی فارسی را کمال بخشید. از

۱۰ ادبیات معاصر ایران

میان نویسندهای نسل دوم داستان‌نویسی فارسی باید از جلال آلمحمد^{*} (متولد ۱۳۰۲ش)، سیمین داشتور (متولد ۱۳۰۰ش)، محمود اعتادزاده (متولد ۱۲۹۳ش) معروف به بهآذین، ابراهیم گلستان (متولد ۱۳۰۱ش)، علی محمد افغانی (متولد ۱۳۰۵ش)، تقی مدرّسی (متولد ۱۳۷۶-۱۳۱۱ش)، غلامحسین ساعدی^{*} (متولد ۱۳۶۴-۱۳۱۴ش) نام برد که هر کدام با نشر چندین رمان و مجموعه داستان کوتاه گامهایی در مسیر ادبیات داستانی فارسی برداشته‌اند. از آن میان به خصوص تأثیر آلمحمد در شیوه نویسندهای فارسی از جهتی و پیشگامی هوشنگ گلشیری برای استخدام شیوه‌های نوین داستان‌نویسی و از آن جمله چیزی که به نام «جریان سیاپ ذهن» معروف شده، در خور ذکر است. دولت‌آبادی بعدها، با تألیف رمان ده جلدی کلیدر، تحول تازه‌ای در مسیر نویسندهای فارسی به ویژه ادبیات روستایی و اقلیمی ایران پدید آورد.

ادبیات داستانی فارسی، بعد از انقلاب، با امکانات بیشتری ادامه یافت و برخلاف شعر کمتر با تردید و بی‌مهری نگریسته شد. هم نویسندهای نسل قبل، که پیش از انقلاب کار خود را آغاز کرده بودند، با استفاده از شرایط نوین جامعه، به خلق آثار جدید ادامه دادند، و هم نسل تازه نفسی به میدان آمدند و در کنار نسل پیشکسوت قبل رشد یافته‌ند و آثار نسبتاً موفق در این مسیر پدید آوردنند. در سالهای اخیر موجی از رمانهای بازاری به ویژه توجه نسل جوان را به خود جلب کرده است که عمده‌تاً به ماجراهای خانوادگی و زمینه‌های عاطفی می‌پردازد و به رغم جاذبه‌های داستانی از تکنیک و چارچوب فنی پیشرفته‌ای برخوردار نیست (برای آگاهی بیشتر، نک: ادبیات داستانی^{*}).

ادبیات غایشی. غایشنامه نویسی به شیوه جدید در فارسی

دیرینگی چندانی ندارد و تقریباً از همان سال ۱۳۰۰ ش آغاز می‌شود. در گذشته، تعزیه و نمایشنامه‌ای سنتی وجود داشته که جای نمایشنامه به معنی نوین آن را پر می‌کرده است. هم‌زمان با نهضت ترجمه در دوره قاجاری، توجه به نمایشنامه‌های نویسی فرنگی هم جلب شد و ترجمه فارسی برخی از نمایشنامه‌های مولیر^۱ به روی صحنه آمد. اما نخستین کسی که اصالتاً به زبان فارسی نمایشنامه نوشت نویسنده‌ای به نام میرزا آقا تبریزی بود. پیش از او فتحعلی آخوندزاده نمایشنامه‌هایی به ترکی نوشته بود که همه آنها را میرزا جعفر قراچه‌داعی همان سالها به فارسی برگرداند. اما نخستین نمایشنامه واقعی فارسی به سبک نوین را جعفرخان از فرنگ آمده، اثر حسن مقدم، دانسته‌اند. پس از او نویسندگان دیگری، مانند رضا کمال معروف به «شهرزاد» و ذیبح بهروز کارهای نمایشی جدیدی پدید آورdenد. بعدها سیدعلی نصر، با تصریف در آثار خارجی، توانست نمایشنامه‌های موفق از قبیل عوام فریب سالوس، سه عروس در یک شب و طلبکار و بدکار، پدید آورد که کاملاً رنگ و بوی ایرانی داشت. گروههای نمایشی و تماشاخانه‌هایی از قبیل «تئاتر نصر» و «تئاتر سعدی» هم به تقلید از نمونه‌های اروپایی آن پدید آمد و باعث رونق امر تئاتر شد. دوره جدید نمایشنامه نویسی ایران از سالهای بعد از ۱۳۲۲ ش آغاز می‌شود. نمایشنامه بلبل سرگشته (۱۳۳۵ ش) و نمایشنامه هالو، که به صورت فیلم هم درآمد (هر دو از علی نصیریان)، در زمرة این آثار است.

از دهه چهل به بعد نویسندگانی مانند غلامحسین ساعدی (گوهر مراد) با نوشتن نمایشنامه‌های معروف چوب به دستهای

1. Molière

۱۲ ادبیات معاصر ایران

ورزیل، آی باکلاه آی بی کلاه، پروار بندان و دیکته و زاویه به گسترش امر نایشنامه نویسی کمک کردند. نویسنده‌گانی مانند اکبر رادی، و به خصوص هرام بیضایی، با نوشتن نایشنامه و فیلمنامه‌های متعددی که از زبان و فرهنگ ایران الهام می‌گرفت، کار نایشنامه نویسی را توسعه دادند. در دوران انقلاب، به خصوص از نایشنامه‌ها و فیلمنامه‌های موقق محسن محملباف و حاتمی کیا هم باید یاد کرد که اجرای برخی از آنها، و به ویژه فیلمنامه‌های آنان، در سطح بین‌المللی شهرت یافته و فیلم ایرانی را در مقیاس جهانی بلندآوازه کرده است (برای آگاهی بیشتر، نک: ادبیات غایشی).

مقاله نویسی و نقد ادبی. مقاله نویسی به صورت نوین آن هم، مثل سایر انواع ادبی، از دوره مشروطه به بعد در زبان فارسی معمول شد. روحیه نقد به مفهوم جدید آن هم سابقه درازی در ادب فارسی ندارد. در آثار روشنفکران عصر مشروطه و پیش از آن، به خصوص در کارهای فتحعلی آخوندزاده و میرزا آفاخان کرمانی، غونه‌هایی دارد. اما نقد به معنی کاملاً جدید آن نخستین بار در مطبوعات ادواری و مجلات، مطرح شد. مجله‌های دانشکده در داخل و کاوه در خارج از ایران در این زمینه پیشگام بودند. بعدها با گسترش مطبوعات و مجلات ادواری نویسنده‌گان بیشتری در حوزه مقاله نویسی دانشگاهی و نقد ادبی قلم زدند، که در سالهای اخیر مجموعه مقالات اغلب آنان جداگانه منتشر شده است. از میان نامهای برجسته در زمینه مقاله نویسی و نقد می‌توان به دهخدا^{*}، ملک‌الشعراء بهار، فروزانفر، عباس اقبال آشتیانی، فاطمه سیاح، مجتبی مینوی، محمد قزوینی، سیدمحمد فرزان (آرین پور، ص ۷۷ به بعد)، و در نسل نوتر، پرویز ناتل خانلری، عبدالحسین زرین‌کوب، محمدعلی اسلامی ندوشن، غلامحسین یوسفی، محمدرضا شفیعی کدکنی اشاره کرد. اهم نشریاتی

که به نشر مقالات و آراء نویسنده‌گان و منتقدان اهتمام داشته‌اند، عبارت‌اند از: ارمغان، کاوه، یغما، سخن، آینده، راهنمای کتاب، و بعد از انقلاب: نشردانش، معارف، کلک، بخارا، کتاب‌ماه-ادبیات و فلسفه. به علاوه از دهه‌های گذشته، در دانشکده‌های ادبیات تهران و شهرستانها نیز مجلات و فصلنامه‌هایی انتشار یافته است که اغلب آنها هنوز هم منتشر می‌شود، از آن میان می‌توان از مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز، «آذربایجان»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، نام برد. گزارش سفر و سفرنامه نویسی هم از زمینه‌هایی است که از سال‌های گذشته مورد توجه بوده و آثاری هم از این رهگذر پدید آمده است (یاحقی، همان، ص ۳۲۹).

ادبیات کودکان و نوجوانان. در گذشته‌های ادبی ایران ادبیات کودکان، جز در قلمرو فرهنگ عامه، جای جداگانه‌ای نداشت، و کودکان معمولاً از همان آثار بزرگ‌سالان استفاده می‌کردند. آشنایی با دنیای غرب این زمینه را هم در ادبیات فارسی استقلال بخشید و از اوایل مشروطه کسانی به این فکر افتادند که آثاری مخصوص کودکان و نوجوانان به شعر و نثر پدید آورند. ادبیات عامه، که از لالایی و تمثیل و داستان سرشار بود، منبع سودمندی برای پرورش اندیشه و عاطفة کودکان تلقی می‌شد. نخستین کسی که به اهمیت فرهنگ عامه برای کودکان پی برد فضل الله صبحی^{*} مهتدی بود که داستانهای مناسب کودکان را از آن میان انتخاب و بازنویسی کرد. صبحی از سال ۱۳۱۵ ش به گردآوری قصه‌های عامیانه ایران پرداخت؛ وی نخست آنها را در رادیو طی برنامه ویژه‌ای با عنوان «سلام بچه‌ها» اجرا می‌کرد (نک: میرهادی، ج ۲، ص ۱۷۶) که کودکان با اشتیاق به

آن گوش می‌دادند، از این جهت به «پدر بچه‌ها» شهرت یافت. بعد هم آها را در مجموعه‌هایی به صورت کتاب منتشر کرد.

در همان سالها، عباس میینی شریف با سروdon اشعار بسیاری برای کودکان به شهرت رسید و اشعار شیرین و دلکش او به کتابهای درسی نیز راه پیدا کرد. او از نخستین کسانی بود که مدّتها مدیریت نشریه‌های خاص کودکان و از آن جمله کیهان بچه‌ها را بر عهده داشت. در دوره پهلوی ترجمه آثار کودکانه از زبانهای غربی نیز آغاز شد و گسترش یافت. مثلاً اغلب آثار برادران گریم^۱ (یاکوب^۲ و ویلهلم^۳)، هانس کریستیان آندرسن^۴ و ژول ورن^۵ به فارسی درآمد و با تصویرهای رنگی مناسب به چاپ رسید. تأسیس رشته‌های تعلیم و تربیت و نیز تربیت معلم در دانشسرای عالی و بعدها در دانشگاههای کشور، به جدی گرفتن ادبیات کودکان و گسترش آن کمک کرد. شخصیت‌هایی مانند دکتر هوشیار، استاد اصول تعلیم و تربیت دانشسرای عالی تهران در این امر مؤثر بودند.

از دهه چهل به بعد کانونهای خاص ادبیات کودکان در ایران آغاز به کار کرد. در سال ۱۳۴۱ش «شورای کتاب کودک»، با همت و زیر نظر گروهی متخصص در تعلیم و تربیت و ادبیات کودکان، تأسیس شد که هدف عمده آن بهبود وضع نشر و کتاب کودکان و نوجوانان بود. اندکی بعد ماهنامه شورای کتاب کودک با هدف آشنا کردن کودکان و مریستان و معلمان آنان با جهان کتاب و اشاعه امر کتابخوانی در میان کودکان، راه اندازی شد. فعالیت این شورا بعد از انقلاب هم بیش و کم ادامه یافت؛ از مهم‌ترین اقدامات آن می‌توان به

1. Grimm 2. Jacob 3. Wilhelm

4. Hans Christian Andersen 5. Jules Verne

نشر کتاب فرهنگنامه کودکان و نوجوانان اشاره کرد که تاکنون (فروردین ۱۳۸۳ش) هشت جلد آن منتشر شده است.

«کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» در سال ۱۳۴۵ش تأسیس شد، و **فعالیت آن تا امروز ادامه داشته است**. کانون گذشته از تأسیس و ترویج کتابخانه‌های خاص کودکان به امر ترجمه، نشر و تربیت نویسنده‌گان و مترجمان خاص ادبیات کودکان هم اهتمام داشت. بسیاری از نویسنده‌گان مشهور ادب کودکان و گروه کثیری از نویسنده‌گان جوان‌تر بعد از انقلاب با آن همکاری داشته و آثاری، مطابق با اصول نوین تعلیم و تربیت، پدید آورده‌اند.

در دهه چهل، صمد بهرنگی*، معلم و نویسنده آذری‌ایجانی، کتابهای بسیاری برای کودکان پدید آورد. او حاصل تحارب آموزشی خود را در کتاب کند و کاو در مسائل تربیتی ایران گرد آورد، اما اثر داستانی مشهور او ماهی سیاه کوچولو در مسیر ادبیات کودکان تأثیر خاصی بر جای گذاشت و بعد از او مورد تقلید قرار گرفت. مهدی آذر یزدی هم به تنها‌ی نخستین بار برای بازنویسی ادبیات کهن فارسی با زبان و بیانی کودکانه اهتمام خاصی از خود نشان داد و قصه‌های بسیاری از متون مهم فارسی را تحت عنوان کلی «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» بازنویسی کرد، کاری که بعد از او به شکل ناشیانه‌ای مورد تقلید بسیاری قرار گرفت.

بعد از انقلاب اسلامی، ادبیات کودکان و نوجوانان نیز، مانند سایر شئون ادب و فرهنگ ایران، تحت تأثیر فضای دینی واقع شد و از اندیشه‌های چپ و غیردینی، که قبلًا بر آن سایه افکنده بود، فاصله گرفت. علاوه بر «کانون پرورش فکری»، «انتشارات مدرسه» و «حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی» هم در راه نشر آثار مربوط به کودکان و نوجوانان، اهتمام کردند. بر روی هم، ادبیات کودکان و

نوجوانان با استفاده از تجارت نوین عصر انقلاب و پیدا شدن زمینه‌های تازه‌ای مثل جنگ و به کارگیری مفاهیم عرفانی و دینی و نیز بازگشت به ادبیات کهن ایران، چشم‌انداز روشی یافته و با اختصاص نشریه‌ها و مجلات خاص ادبیات کودکان بارور شده است. پس از انقلاب، نویسنده‌گان به داستانهای دینی و نیز نوشتن داستانهایی واقعی از زندگی کودکان و نوجوانان روی آوردند. در این مسیر کارهای نویسنده‌گانی مانند هوشنگ مرادی کرمانی، علی اشرف درویشیان، رضا رهگذر، منصور یاقوتی و شعرهای مصطفی رحماندوست به شهرت رسیده است (برای آگاهی بیشتر، نک: ادبیات کودک و نوجوان).

منابع: آرین پور، بحثی، از نیما تا روزگار ما، تهران، ۱۳۷۴ش؛ احمدی، رامین، «موج سوم در ترازو»، ایران‌شناسی، س، ۲، ش، ۳، نیویورک، ۱۳۶۹ش؛ باقری، ساعد و محمد رضا محمدی نیکو، شعر امروز، تهران، ۱۳۷۲ش؛ بالایی، کریستف، پیدایش رمان فارسی، ترجمه مهوش قویی و نسرین خطاط، تهران، ۱۳۷۷ش؛ رؤیایی، یدالله، هلاک عقل به وقت اندیشه‌یان، تهران، ۱۳۵۷ش؛ زرین‌کوب، حبیب، چشم‌انداز شعر نو فارسی، تهران، ۱۳۵۸ش؛ شفیعی کدکنی، محمد رضا، ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، تهران، ۱۳۵۹ش؛ غلام، محمد، رمان تاریخی، سیر و نقد و تحلیل رمانهای تاریخی فارسی (۱۲۸۴-۱۳۳۲ش)، تهران، ۱۳۸۱ش؛ میرهادی، توران، «ادبیات کودکان و نوجوانان در ایران»، فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، تهران، ۱۳۷۳ش؛ نوری علاء، اسماعیل، تئوری شعر، از موج نو تا شعر عشق، لندن، ۱۳۷۳ش؛ یاحقی، محمد جعفر، جویبار لحظه‌ها، تهران، ۱۳۷۸ش؛ یوسفی، غلامحسین، چشمۀ روشن، تهران، ۱۳۶۹ش.

محمد جعفر یاحقی

ادبیاتِ داستانی

روند تحول ادبیات معاصر ایران، بارها، به علّت‌های گوناگون اجتماعی-فرهنگی، قطع شده و پس از یک دوره فترت، بار دیگر با حرکتی تازه آغاز شده است. برای ارائه گزارشی به هم پیوسته از این تاریخ گستتهٔ حدساله، نویسنده‌گان را در سه نسل می‌توان دسته بندی کرد: پیشگامان، نسل میانه، نوخیزان. آنچه ادبیات هر نسل را متفاوت با ادبیات نسل پیش می‌کند تغییر نحوه نگاه به زندگی و طرز تلقی از وظيفة ادبیات است. رد این تغییرات را می‌توان در رمانها و مجموعه داستانهای یک قرن اخیر از ۱۲۷۴ تا ۱۳۷۷ ش دنبال کرد.

پیشگامان: از ۱۲۷۴ تا ۱۳۲۰ ش

از قصه‌های منظوم ادبیات متقدم از قبیل شاهنامه فردوسی و مشنی مولوی که بگذریم، داستانهای منتشر فراوانی داشته‌ایم؛ از سمک عیار تا امیر ارسلان. اما بر خلاف حکایت کوتاه، که جایگاه والایی در سنت ادبی ایران داشت، این داستانهای بلند هیچ‌گاه جدی گرفته نشدند و در حاشیه نظام ادبی مسلط ماندند و به ندرت به درجه «ادبی بودن» رسیدند. اما تأثیر آنها را، به هنگام دگردیسی حکایت بلند و سنتی ایرانی به رمان اروپایی، احساس می‌کنیم. نخستین رمان نویسان ایرانی از نظر شکل بخشیدن به حوادث رمان حول محور «سفر» و شیوه شخصیت‌پردازی، از داستانهای بلند متأثر تأثیر

پذیرفته‌اند. آثاری که اینان نوشتنند ثرہ برخورد تجدّد با جامعه‌ای سنتی است، برخورده‌ی که مسجد بحران نظام سیاسی و اجتماعی می‌شود و شکل گرفتن روشنفکرانی را در پی دارد که ضوابط جدیدی برای اصلاح جامعه پیشنهاد می‌کنند. در درون این تحولات اجتماعی و سیاسی است که «شکلهای جدید ادبی و در درجه اول رمان رشد می‌کنند». «رمان زاده بحرانی است که بین شکلهای خلق شده برای دنیابی در شرف فرو پاشی و نابودی، و شکلهای تازه‌ای که پاسخگوی وضع جدیدند»، پدید می‌آید (بالایی، ص ۱۰).

اما مهم‌ترین عواملی که زمینه‌های مادی پیدایش رمان فارسی را فراهم آورد صنعت چاپ و مطبوعات بود. رجال اصلاح طلبی مانند عبّاس میرزا قاجار، پس از شکست ایرانیان در جنگ با روسها، به خود آمدند و دریافتند که آینده کشور بستگی به دست‌یابی به علوم جدید دارد. به همین منظور، م爐انی به فرنگ اعزام شدند. آنان، در بازگشت به میهن، ماشینهای چاپ را به ارمغان آوردند و امکان پیدایش روزنامه‌ها و کتابها را فراهم ساختند. همچنین، با ترجمه متون علمی، تاریخی و ادبی، دریچه تازه‌ای رویه جهان گشودند و دسترسی به متون تازه و شناخت فرهنگ غرب را آسان کردند.

چاپ، با تکثیر آثار، آنها را از انحصار اشراف در آورد و به میان مردم برد.اما مهم‌ترین خدمت آن را باید در پیدایش مطبوعات دانست. مطبوعات، با ساده کردن نثر، در دگرگون سازی مفهوم ادبیات تأثیر گذارند و به شکل‌گیری تفکر انتقادی یاری کردند. نشریاتی چون اختر (چاپ استانبول) و حبل‌المتین (چاپ کلکته) هم پایگاه و تکیه‌گاه نویسنده‌گان نخستین متون داستانی جدید فارسی بودند و هم محلی برای تجربه کردن شیوه‌های تازه نگارش. نویسنده‌گانی چون دهخدا* و جمال‌زاده* نیز، با نوشتan برای

مطبوعات، کار ادبی خود را آغاز کردند.

مطبوعات نثر را ساده و آماده به کار گرفته شدن در توصیفها و مکالمات کردند و مترجمان شکل تازه رمان را در معرض دید ایرانیان قرار دادند.

بحث رمان نویسی در ایران، اوّل بار، به سال ۱۲۵۰ ش، در نامه میرزا فتحعلی آخوندزاده به میرزا آقا تبریزی مطرح شد. او «فن رمان را متضمن فواید ملت و مرغوب طبایع خوانندگان» دانسته بود و به دو ویژگی رمان، آموزنندگی و سرگرم کنندگی، اشاره کرده بود (آخوندزاده، ص ۸). آن گاه مترجمان نخستین رمانهای اروپایی در عصر قاجار، در مقدمه‌هایی که بر ترجمه‌های خود نوشتند، کوشیدند تا، با تعریف نوع ادبی جدید رمان، آن را به نظام ادبی ایران وارد کنند (بالایی، ص ۸۱).

ترجمه داستان تاریخی-انتقادی آخوندزاده (۱۱۹۱-۱۲۵۷)، موسوم به ستارگان فریب خورده، حکایت یوسف شاه، در ۱۲۵۳ ش به فارسی منتشر شد. نویسنده، از ورای داستانی که در عصر صفوی رخ می‌دهد، خرافه پرستی، بی‌قانونی و ستم چیره بر ایران عصر قاجار را توصیف می‌کند و راه چاره را در تشکیل «مجلس مشورتی» از دانایان ملت می‌داند.

اما هنوز شرایط برای آفرینش این نحوه بیان جدید ادبی در ایران فراهم نشده بود و رمان در حدّ یک اندیشه وجود داشت. دو دهه گذشت، تا اینکه، در ۱۲۷۴ ش، حاج زین‌العابدین مراغه‌ای^{*} (۱۲۱۸-۱۲۹۰ ش)، تاجر مشروطه‌خواه مقیم استانبول، نخستین شبه رمان فارسی را با نام سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیک نوشت. تجسس واقع‌گرایانه زندگی ایرانیان، میهن پرستی عمیق و انتقاد از همه جوانب جامعه ایرانی، جلد اوّل این رمان سه جلدی را به صورت غونهٔ

گویایی از واقع گرایی پرشور در دوره مشروطه در آورده است. مراغه‌ای نوع ادبی^۱ متعارف زمانه، سفرنامه‌نویسی، را به صورتی تخیلی برای بیان نظریّات اجتماعی - سیاسی خود به کار گرفت. در بی او، عبدالرحیم طالبوف^{*} (۱۲۹۱-۱۲۱۳ش)، در مسالک‌المحسینین (۱۲۸۴ش) و میرزا حبیب اصفهانی (۱۲۵۱-۱۳۱۱ق)، در ترجمه آزاد و خلاق خود از سرگذشت حاجی بابا (۱۲۸۴ش) اثر جیمز موریه^۲ (۱۷۸۰-۱۸۴۹م)، نیز از نوع ادبی سفرنامه‌ای بهره گرفتند. ساخت سفرنامه‌ای شیوه مناسبی برای نشان دادن خصلتهای «شخصیّت دوران» به شمار می‌آید؛ قهرمان داستان از عزلت به در می‌آید و با گشت و گذار در پنهان جامعه ناہنجاریها را می‌بیند و، با مقایسه آنها با نظام زندگی مالک پیشرفته، لزوم تغییر آنها را گوشزد می‌کند.

نویسنده‌گان عصر مشروطه بیشتر به نقش اجتماعی ادبیات توجه داشتند و برای ساختار ادبی و زیبایی‌شناسی رمان اعتباری قائل نبودند. داستانهایشان، به اقتضای شرایط انقلابی، بیشتر از آنکه جنبه تخیلی داشته باشد، نقد اجتماعی و خطابه در مدح عدالت و آزادی بود. رمان فارسی حول درگیری قهرمان با نظام حاکم بر جامعه شکل می‌گیرد، و این ویژگی عصری است که طبقه متوسط از وضع خود آگاه می‌شود، مفهوم ملت اهمیّت می‌یابد و به فردیّت انسانها توجه می‌شود. رمان، در زمانه ورود فرد عادی به عرصه رویدادهای تاریخی و معنی یافتن هستی او، یکی از مهم‌ترین گونه‌های ادبی را تشکیل می‌دهد. «بنیاد زیبایی‌شناسی جامعه ما با این تحول به کلی زیر و رو شده است؛ یعنی از آن زیبایی‌شناسی محدود و محلی، که رو به

1. genre

2. James Morier

گذشته‌ها و حفظ سنت‌ها داشت، به زیبایی شناسی جهانی و نامحدود، که رو به جهان آینده و رویدادهای غیر متربّع و ناشناخته دارد، تغییر ماهیّت داده است» (حق شناس، ص ۱۸۱-۱۹۵). در سالهای پس از مشروطیّت، شاهد پیدایش رمان تاریخی، رمان اجتماعی و داستان کوتاه هستیم.

رمان تاریخی. نوع مطرح ادبی سالهای شکست انقلاب مشروطه و جستجوی منجیهای پرقدرت برای برقراری امنیّت اجتماعی است (میر عابدیّن، ج ۲۱، ۲۷-۲۸، ص ۲۷). نویسنده، رویگردان از نامالیات زمانه، عظمت را در شکوه برباد رفتۀ ایران باستان جستجو می‌کند. رمان تاریخی ریشه در کار فکری کسانی دارد که، در مسیر جریان به خودآیی ناشی از انقلاب مشروطه، در جهت کشف تاریخ ملّی کوشیدند. از جمله این کسان میرزا آفاخان کرمانی (۱۲۷۰-۱۳۱۴ق) است که تاریخ ایران باستان را با نام آیینه سکندری (۱۲۸۵ش) نوشت. کوشش‌های مترجمان رمانهای اروپایی، مانند محمد طاهر میرزا، مترجم رمانهای الکساندر دوما، را نیز نباید نادیده گرفت. «ترجمۀ بعضی از این گونه رمانها رشته تازه‌ای از ادبیات تاریخی اروپا را شناساند و اتفاقاً با مذاق مردم ما خوب جور در می‌آمد» (آدمیّت، ص ۱۵۳). نویسنده‌گان رمانهای تاریخی در بند افسانه‌های تاریخی و ادبیات گذشته بودند و، به جای تصویر واقع گرایانه یک دورۀ مشخص، از تاریخ، به عنوان زمینهٔ ماجراهای مهیّج عشقی و رزمی، استفاده می‌کردند. نخستین رمان از این نوع را محمد باقر میرزا خسروی^{*} (۱۲۶۶-۱۲۹۸ش) با نام شمس و طغرا (۱۲۸۷ش)، در سه جلد، درباره هجوم مغولان به ایران نوشت. موسی نثری (۱۲۶۰-۱۲۳۲ش)، در رمان عشق و سلطنت (۱۲۹۵ش)، به فتوحات کورش پرداخت. میرزا حسن خان بدیع (۱۲۵۱-۱۳۱۶ش)

نیز سرگذشت کورش را دستتأیه رمانی با نام داستان باستان (۱۲۹۹ش) کرد. میرزا عبدالحسین صنعتی زاده کرمانی (۱۲۷۵-۱۳۵۲ش)، رمان دامگستان^{*} یا انتقامخواهان مزدک (۱۲۹۹ و ۱۳۰۴ش) را درباره آخرین سلاطین ساسانیان و درگیریهای آنان با مزدکیان و اعراب نوشت. از دیگر آثار او مانی نقاش (۱۳۰۵ش) و سلحشور (۱۳۱۲ش) است. حیدرعلی کمالی (۱۲۴۸-۱۳۱۵ش) رمانهای موجزتر و رمانیک تری نوشت. او در مظالم ترکان خاتون (۱۳۰۶ش) حمله مغول به ایران را تصویر کرد و در لازیکا (۱۳۱۰ش) توصیف به فارسی سره از جنگهای ایرانیان و رومیان ارائه داد. در میان نویسندهای رمانهای تاریخی، کار علی اصغر رحیمزاده صفوی (۱۲۷۳-۱۳۳۸ش)، به سبب وارد کردن نوعی افسانه علمی در رمان تاریخی، قابل ذکر است: شهربانو (۱۳۱۰ش)، نادرشاه (۱۳۱۰ش). محمد حسین رکن‌زاده (۱۳۵۲-۱۲۷۸ش)، در دلیران تنگستانی (۱۳۱۰ش)، به مضمونی معاصر پرداخت و مبارزات مردم جنوب با استعمارگران انگلیسی را وصف کرد.

گرایشهای ملی گرایانه، که از جمایت حکومت رضاشاه نیز برخوردار بود، آن چنان گسترشی یافت که حتی نویسندهای از قبیل صادق هدایت^{*} و بزرگ علوی^{*} را نیز به نوشنی داستانهای تاریخی ترغیب کرد. از دیگر رمانهای تاریخی این دوره، می‌توان به آثار زیر اشاره کرد: پهلوان زند (۱۳۱۲ش)، نوشته علی شیراز پورپرتو معروف به شین پرتو (۱۳۷۶-۱۲۸۶ش)؛ عشق و ادب (۱۳۱۳ش)، اثر میرزا محمد علی‌خان آزاد (۱۲۵۸-۱۳۲۴ش)؛ یعقوب لیث (۱۳۱۵ش)، به قلم یحیی قریب؛ پیامبر (۱۳۱۶ش)، اثر زین‌العابدین رهنا (۱۲۷۲-۱۳۶۸ش)؛ آشیانه عقاب (۱۳۱۸ش)، نوشته زین‌العابدین مؤمن (متولد ۱۲۹۳ش).

رمان اجتماعی. نوع ادبی دیگری که در سالهای ۱۳۰۰ ش پدید آمد رمان اجتماعی است. این نوع رمان، از نظر ساختار، تفاوت چندانی با رمان تاریخی ندارد و تنها به دلیل پرداختن به ماجراهای شخصیتی‌ای معاصر از آنها متفاصل می‌شود. شخصیتی‌ای معاصری از قبیل کارمندان و زنان بر صحنه ظاهر می‌شوند و ماجراهای غم‌انگیزی را از سر می‌گذرانند که نشانه‌ای از دشواری‌های زندگی شهری در آستانه ورود جامعه به «روزگارنو» است. رمان تهران مشوف^{*} (۱۳۰۳ش)، نوشته مرتضی مشقق کاظمی (۱۲۸۱-۱۳۵۶ش)، اثری راهگشا در این زمینه بود. نویسنده، ضمن بازگویی داستان عشق ناکام پسری فقیر به دختری اشرافی، «تصویرهای روشنی از وضع محلات، قهوه خانه‌ها، شیره کشخانه‌ها، اماکن فساد، راهها و چاپارخانه‌های عرض راه، مسافت با گاری و درشكه و واگن شهری، لباسها و اندیشه‌ها در دوران کودتای ۱۲۹۹ش، به دست می‌دهد» (آرین پور، ج ۲، ص ۲۶۴).

مشقق کاظمی، که از پایه‌گذاران انجمن تجدّدخواه «ایران جوان» (۱۳۰۱ش) بود، توجه خاصی به وضع اسناک زنان، از طریق تصویر کردن روسپی خانه‌ها، نشان داد. نویسنده‌گان متعددی از سیک ادبی و شیوه برخورد او با «مسئله زن» تقلید کردند که از میان آنان کار احمدعلی خداداده تیموری در رمانهای روز سیاه کارگر (۱۳۰۵ش) و روز سیاه رعیت (۱۳۰۶ش) ارزش بیشتری دارد. او کوشید تا بر اساس مشاهدات خویش، و نه الگو برداری از رمانهای احساساتی، تصویری عینی از زندگی زنان روستاوی و شهرستانی، در سالهای جابه جایی حکومت قاجار به حکومت پهلوی، ارائه کند.

عبدالله خلیلی (۱۲۷۲-۱۳۵۰ش) در روزگار سیاه (۱۳۰۳ش)،
انتقام (۱۳۰۴ش) و اسرار شب (۱۳۰۵ش)، یحیی دولت‌آبادی*

(۱۳۱۸-۱۲۴۱ش) در شهرناز (۱۳۰۴ش)، ربیع انصاری (متولد ۱۲۸۳ش) در جنایات بشر یا آدم فروشان قرن بیستم (۱۳۰۸ش)، محمد مسعود (۱۳۲۶-۱۲۸۰ش) در تفریحات شب (۱۳۱۱ش)، در تلاش معاش (۱۳۱۲ش) و اشرف مخلوقات (۱۳۱۳ش) و محمد حجازی* (۱۳۵۲-۱۲۷۹ش) در هما (۱۳۰۷ش)، پریچهر (۱۳۰۸ش) و زیبا (۱۳۱۲ش) و جهانگیر جلیلی (۱۳۱۸-۱۲۸۸ش) در من هم‌گریه کرده‌ام (۱۳۱۱ش)، نیز در این نوع ادبی طبع آزمایی کرده‌اند.

زیبای محمد حجازی را می‌توان بهترین رمان اجتماعی عصر رضاشاه دانست. نویسنده، در این اثر، گزارشی واقع‌گرایانه از سیر حوادث و روان‌شناسی اجتماعی ساهای ۱۲۹۰ش به دست می‌دهد و حرکت جامعه‌ای سنتی به سوی تجدّد و شهرنشینی را توصیف می‌کند. او می‌کوشد تا رابطه تازه‌ای با زمان و واقعیت برقرار کند و اعمال شخصیت‌ها را متکی بر محیط نشو و غای آنها پیش برد؛ و درونایه عمده زمانه خود، چالش تجدّد با سنت، را به شکل «مسئله زن» مطرح کند (مصطفی‌پور ایرانیان، ص ۶۰-۹۰).

داستان کوتاه. با وجود پدیدآمدن رمانهای تاریخی و اجتماعی، نثر معاصر همچنان شاخه‌ای نورُسته در سایه درخت تناور ادبیات کهن ایرانی بود. با پیدایش داستانهای کوتاه جمالزاده، هدایت و علوی، نثر معاصر گام در راهی نهاد که هویت ویژه آن را تعیین می‌کرد.

سید محمدعلی جمالزاده (۱۳۷۶-۱۲۷۱ش) نخستین مجموعه داستان واقع‌گرایانه ایرانی را، با نام یکی بود و یکی نبود* (۱۳۰۰ش)، نوشت. او در هر داستان، با نثر شیرین، به تصویر یک «تیپ» اجتماعی پرداخت و کنه‌پرسقی و رخوت اجتماعی را با طنزی سرشار از غم توصیف کرد.

منتقدان «ديباچه» اين کتاب را «بيانيه» نثر نوين فارسي دانسته‌اند. جمالزاده در آن از نويسندگان ايراني می خواهد که بازبانی ساده و همه فهم به نوشتن رمان و داستان کوتاه روی آورند تا «ديموکراسی ادبی»، که مکمل دموکراسی سياسی است، جامه عمل پيوشد.

پيش از او ميرزا حبيب اصفهاني، و على اکبر دهخدا ۱۲۵۸- ۱۳۳۵ش)، در قطعه‌های داستاني که از سال ۱۲۸۶ش، تحت عنوان چرنده و پرنده، در روزنامه صور اسرافيل می نوشت، در آثار خود زبان و اصطلاحات عاميانه به کار می بردند. از آنان که، هم‌زمان با جمالزاده، داستان کوتاه نوشتند می توان از حسن مقدم ۱۲۷۴- ۱۳۰۴ش)، سعيد نفيسی* (۱۲۷۴- ۱۳۴۵ش) و كريم کشاورز ۱۲۷۹- ۱۳۶۵ش) نام برد. نويسنده‌ای با نام يوسف عمومي، پيش از اينان، طي سالهای ۱۲۸۸- ۱۲۸۹ش در روزنامه خيرالکلام ۴۷ حکایت کوتاه نوشت (چراگي، ص ۹۱-۸۵).

اما داستان کوتاه با آثار صادق هدایت (۱۲۸۱- ۱۳۳۰ش) در فرهنگ ايران جايگاه واقعي خود را يافت و به تدریج يکی از شاخه‌های اصلی ادبیات معاصر شد. هدایت که با ادبیات جدید اروپا آشنا بود، در زنده به گور (۱۳۰۹ش)، سه قطره خون* (۱۳۱۱ش)، سایه روشن (۱۳۱۲ش)، علویه خانم (۱۳۱۲ش) و ورغوغ ساهاپ (۱۳۱۳ش)، زندگی عامه مردم را با اصطلاحات خود آنان، به همان خوبی ترسیم کرد که هزار توی ذهنیات روش‌نگران سرخورده و هراسان را. با رمان مشهور او، بوف‌کور* (۱۳۱۵ش)، ادبیات معاصر از مرحله نوشتن «رمانس»‌های تاریخی و اجتماعی در می آيد و پا به عرصه رمان می نهد. هدایت برخوردي انتقادی با نظام اجتماعي و هنري زمانه خود دارد؛ در حد هنجرهای ادبی رايچ غي ماند و

مبدع سبکی تازه می‌شود. تا این زمان، رمان و سیله‌ای برای سفرنامه‌نویسی یا خطابه و پند و اندرز بود. اتا هدایت به زیبایی‌شناسی رمان، به عنوان یک شکل مستقل ادبی، اهمیّت بخشید. جستجوی نقاش روی قلمدان (راوی بوف کور)، گشت و گذار قهرمان رمان عصر مشروطه بر پنهان جامعه متلاطم یا سر و گوش آب دادن قهرمان رمان اجتماعی در مکانهای فساد نیست؛ جستجوی در درون است برای بازشناسی خود تا بتواند، به عنوان انسانی با فردیّت خلاق، درباره جامعه و مسائل آن بیندیشد.

بزرگ علوی (۱۳۷۵-۱۳۸۲ش) که دانش آموخته آلمان بود، در بازگشت به میهن به حلقة یاران هدایت، «گروه رُبعه» پیوست. نخستین مجموعه داستان او، چمدان (۱۳۱۳ش)، به همان اندازه از رمان‌تیسم آلمانی تأثیر پذیرفته است که از آثار هدایت. علوی، مثل هدایت، با نشان دادن تناقضات درونی شخصیت‌ها، گزارش‌های ساده جمال‌زاده را تا حد داستان روان‌شناختی ارتقا داد. اما به‌سبب پیوستن به گروه تق‌ارانی و نوشتن برای مجله مادی مذهبانه دنیا (۱۳۱۲ش) در سال ۱۳۱۶ش دستگیر و زندانی شد. پس از سقوط رضاشاه، علوی از بند رست، با نوشتن ورق پاره‌های زندان (۱۳۲۰ش) و پنجاه و سه نفر (۱۳۲۱ش)، پایه گذار «ادبیات زندان» در ایران شد.

نسل میانه: از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ش

پس از سقوط رضاشاه و بازشدن درها به روی اندیشه‌های گوناگون سیاسی و فرهنگی، ادبیات متنوعی شکل گرفت. از سویی با افروده شدن بر تعداد نشریات هفتگی، پاورق‌نویسی به دوران اوج خود رسید. پاورق‌نویسان توانستند، با تعلیقهای حساب شده داستانهایشان، خوانندگان را در اشتیاق دانستن بقیه ماجرا نگه دارند. حسین مسرور^{*} (۱۳۴۷-۱۲۶۷ش) رمان پنج جلدی ده نفر قزلباش

(۱۳۳۵ش) را درباره دوره صفویه نوشت. حسینقلی مستعان^{*} (۱۳۶۲-۱۲۸۳ش) داستان تاریخی رابعه و داستانهای عاشقانه شهرآشوب و آفت (۱۳۳۶-۱۳۳۴ش) را پدیدآورد. ابراهیم مدرّسی (۱۳۶۸-۱۲۹۷ش) رمانهایی از قبیل پنجه خونین، پیک اجل و عشق وانتقام نوشت. ا.م. زمانی آشتیانی (۱۳۶۸-۱۲۹۴ش) رمانهای به هم پیوسته دلشاد خاتون و زیبای مخوف را در ۱۲۰۰صفحه به شکل جزووهای هفتگی منتشر کرد. از معروف‌ترین پاورقیهای اجتماعی این دوره می‌توان باشرفها (۱۳۲۵ش)، نوشته عمام عصار (۱۲۷۶-۱۳۳۶ش)، را نام برد.

در سالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش، پاورقیهای تاریخی- عشقی شاپور آرین نژاد، نویسنده ده مرد رشید (۱۳۳۵ش)، چهزه سردادور (۱۳۴۹-۱۲۷۵ش)، جواد فاضل (۱۳۴۰-۱۲۹۳ش)، احمد ناظرزاده کرمانی (۱۳۵۵-۱۲۹۶ش)، صدرالدین الهی و ذبیح‌الله منصوری (۱۲۷۴-۱۳۶۵ش)، صفحات مجلات پُرشمارگان هفتگی را پر می‌کردند. اما پاورق‌نویسی شاخه‌های دیگری هم یافت، مثل داستان فکاهی اسمال در نیویورک (۱۳۳۴ش)، اثر حسین مدنی (متولد ۱۳۰۵ش)، یا داستانهای اجتماعی- انتقادی تحصیلکرده‌ها (۱۳۳۴ش) از مشق همدافنی (متولد ۱۲۹۱ش)، نیمه راه بهشت (۱۳۳۲ش) و آتشهای نهفته (۱۳۳۹ش)، اثر سعید نفیسی، عشق و سیاست یا سقوط یک استاد (۱۳۲۸ش)، نوشته قاسم لارین (متولد ۱۲۹۳ش) و سیصد ضربه شلاق (۱۳۳۱ش)، اثر محمد ذکام (متولد ۱۲۹۶ش).

دهه ۱۳۴۰ش را می‌توان پایان دوران رونق پاورق‌نویسی دانست. مجموعه‌های تلویزیونی و فیلمهای سینمایی بخش عمده‌ای از خوانندگان رمانهای سرگرم کننده را جذب می‌کنند. خوانندگان

فهمیم تر نیز مجلّاتی چون کتاب هفته را جانشین جزوه‌های هفتگی می‌کنند. البته بعدها، و امروز هم، پاورق نوشه می‌شود، اما این نوع ادبی جایگاهی را که در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ ش داشت از دست داده و به انتهای صحنه ادبی رانده شده است.

گرایش‌های نوین ادبی دهه ۱۳۲۰ ش فضاهای رشد خود را در ماهنامه‌های روشنفکرانهای از قبیل سخن، مردم، پیام نو و جز آنها یافتند. داستان‌نویسی تنوّعی در خور یافت: علی دشتی^{*} (۱۲۷۴-۱۳۶۰ ش)، نویسنده فنه (۱۳۲۴ ش)، داستانهای عشقی - روانی در بیان نفساییات زنان اشراف می‌نوشت. جعفر شریعتمداری «درویش» (متولد ۱۳۰۲ ش)، نویسنده کعبه (۱۳۲۴ ش)، همین شیوه را به شکلی عرفانی تر ادامه داد. پایگاه داستانهای سوررئالیستی و تخیلی، مجله خروص جنگی (۱۳۲۹-۱۳۳۰ ش) بود که غلامحسین غریب (۱۳۰۲-۱۳۸۳ ش) در آن قلم می‌زد. اما نویسنده‌گان دیگری هم پیرو این مشی بودند: کاظم تینا (۱۳۰۸-۱۳۶۹ ش)، نویسنده آفتاب بی‌غروب (۱۳۳۲ ش) و احمد شاملو^{*} (۱۳۰۴-۱۳۷۹ ش)، نویسنده زن پشت در مفرغی (۱۳۲۹ ش).

داستانهایی هم از نویسنده‌گان زیر منتشر می‌شود: محمود اعّتادزاده «به‌آذین» (متولد ۱۲۹۳ ش) نویسنده دختر رعیت (۱۳۳۱ ش)، سیمین دانشور (متولد ۱۳۰۰ ش)، رسول پرویزی (۱۲۹۸-۱۳۵۶ ش) نویسنده شواره‌های وصله دار (۱۳۳۶ ش)، ابوالقاسم پاینده^{*} (۱۲۸۷-۱۳۶۳ ش) نویسنده در سینمای زندگی (۱۳۳۷ ش).

پایگاه عمده‌ترین گرایش ادبی، واقع‌گرایی سیاست زده، نشریات حزب توده بود. این گرایش، بهویژه پس از برگزاری «نخستین کنگره نویسنده‌گان ایران» (۱۳۲۵ ش)، بر حیات ادبی تفوّق یافت. قطعنامه

کنگره، تحت تأثیر اندیشه‌های فاطمه سیّاح^{*} و احسان طبری، بر لزوم برنامه‌ریزی برای هدایت ادبیات به راه رئالیسم، تأکید کرد و از نویسنده‌گان خواست در راه «خدمت به توده مردم» قلم زند. تأثیر این دید در داستانهای تئیلی هدایت در ولنگاری (۱۳۲۳ش) و حاجی آقا (۱۳۲۴ش) محسوس است. نویسنده‌گان نشریات حزبی، از قبیل محمد علی افراشته^{*} (۱۳۳۸-۱۲۸۷ش)، علی مستوفی (امد صادق) (۱۳۰۶-۱۳۶۵ش)، داستانهایی انتقادی، با ارزش ادبی ناچیز، نوشتند. اما برجسته‌ترین نویسنده این جریان بزرگ علوی با رمان چشمهايش^{*} (۱۳۳۱ش) و مجموعه داستان نامه‌ها (۱۳۳۰ش) است. او در رمان خود، تهران خفغان زده عصر رضا شاه را محور کار قرار می‌دهد؛ ایّا در اصل به یک ماجراهای عاشقانه رمانیک، در طرحی جستجوگرانه می‌پردازد که یادآور هیجان و تعلیق داستانهای پلیسی است (سپانلو، ص ۱۵۵).

صادق هدایت، پس از سگ ولگرد (۱۳۲۱ش)، داستانهای حاجی آقا و توب مرواری و رساله پیام کافکا (۱۳۲۷ش) را در ضدّیت با جلوه‌های مادی و معنوی «اقتدار» نوشت.

محمد علی جمال‌زاده سکوت بیست ساله خود را شکست و یکی پس از دیگری آثاری منتشر کرد و در قامی آنها به ناکامی تأثیر اور انسانی پاکدل در مصاف با تعصّب و سنت، به صورتی خاطره‌ای، پرداخت: دارالمجانین (۱۳۲۰ش)، راه آب‌نامه (۱۳۲۶ش)، سروته یک کرباس (۱۳۳۵ش)، شاهکار (۱۳۳۷ش).

در همین دوران، نسل تازه‌های از نویسنده‌گان داستان کوتاه پدید آمد که شخصیت‌های اصلی آن صادق چوبک^{*}، جلال آل احمد^{*} و ابراهیم گلستان بودند. اینان، متأثّر از ادبیات رئالیستی امریکا، به نثر و ساخته‌ان داستان توجّهی جدّی داشتند.

صادق چوبک (۱۲۹۵-۱۳۷۷ش) آدمهای مطروح پایین‌ترین لایه‌های اجتماعی را به داستانهایش راه داد و کوشید تا با تولید دیگرباره لحن آنها، شخصیت و راه و روش زندگیشان را به نمایش بگذارد. داستانهای دو جمیعه خیمه‌شب بازی (۱۳۲۴ش) و انtri که لوطیش مرد بود (۱۳۲۸ش)، از لحاظ فضاسازی و نمایش روابط شخصیت‌ها از ورای گفتگوهای زنده و طبیعی، از آثار خواندنی ادبیات ایران، به شمار می‌آیند. چوبک پس از رمان تنگسیر (۱۳۴۲ش)، رمان سنگ صبور (۱۳۴۵ش) را به شکلی نوگرایانه نوشت؛ و دو جمیعه چراغ آخر (۱۳۴۴ش) و روز اول قبر (۱۳۴۴ش) را منتشر کرد. جلال آل احمد (۱۳۰۲-۱۳۴۸ش) نخستین داستانهای خود، دید و بازدید (۱۳۲۴ش)، از رنجی که مسی‌بریم (۱۳۲۶ش)، سه تار (۱۳۲۷ش) و زن زیادی (۱۳۳۱ش)، را از نظرگاه آدمی بیگانه از جمع نوشت که در مرز بین اعتقاد و بی‌اعتقادی معلق است. ستوده‌ترین داستان بلندش، مدیر مدرسه^{*} (۱۳۳۷ش)، را درباره مدیری از نسل شکست خورده پس از کودتا نوشت که پناهی آرام می‌جوید و غنی‌یابد. نثر شتابناک و محاوره‌ای خاص آل احمد، که در نویسنده‌گان هم دوره‌اش تأثیر بخشید، از همین داستان رخ می‌نماید. آل احمد، آنگاه رمانهای نون‌والقلم (۱۳۴۰ش) و نفرین زمین (۱۳۴۶ش) را تحت تأثیر غرب زدگی (۱۳۴۱ش) نوشت؛ کتابی که او را به عنوان نظریه پرداز بازگشت به سنتها و اصالت‌های بومی و مذهبی معرفی کرد.

گلستان (متولد ۱۳۰۱ش)، متأثر از نویسنده‌گانی چون همینگوی و فاکنر، از صناعت داستان نو برای نوشن آثارش بهره گرفت. داستانهای آذر، ماه آخر پاییز (۱۳۲۸ش) و شکارسایه (۱۳۳۴ش) را در توصیف سرگردانی روشنفکرانی نوشت که آرمانهایی را که به آنها

دل بسته بودند پوچ می‌یابند و در پیدا کردن راه دخواه سرگردان می‌شوند. در مجموعه جوی و دیوار و تشننے (۱۳۴۶ش)، موسیقی درونی کلمات، در پدید آوردن نثری متناسب با موضوع، نقشی بسزا دارد. کتاب مَدْ و مَه (۱۳۴۸ش)، که در بردارنده زیباترین داستانهای خاطره‌ای گلستان است، او را به عنوان «شاعر تنها‌بی»، در داستان‌نویسی ایران، معروف می‌کند.

در سالهای پس از کودتای سال ۱۳۳۲ش، نویسندهای از سیاست پرهیز کردن و دردهای جاودانه بشری، مثل عشق و انزوا و مرگ را، در ساختاری دینی-اسطوره‌ای، مطرح کردند. از جمله، تق مدرّسی (۱۳۷۶-۱۳۱۱ش)، رمان عاشقانهٔ یکلیا و تنها‌بی او^{*} (۱۳۳۴ش) را براساس قصه‌های سورات نوشت. بهرام صادقی (۱۳۱۵-۱۳۶۳ش)، در رمان ملکوت (۱۳۴۰ش)، ترکیب دلپذیری از زندگی واقعی و مفاهیم فراتری از ارائه داد. او، در داستانهای واقع‌گرایانه سنگر و قمصمه‌های خالی (۱۳۴۹ش)، دیدی تلخ و طنزآمیز و حساسیتی تکان‌دهنده نسبت به زندگی را با شناخت دقیق از نوع ادبی داستان نو در می‌آمیزد. هنر او در آن است که روال مأثور زندگی را از چنان زاویه‌ای نشان می‌دهد که غیر طبیعی بودن آن آشکار می‌شود. در میان مهم‌ترین نویسندهایی که کار خود را در این دوره آغاز می‌کنند می‌توان از غلامحسین سعدی^{*}، منوچهر صفا «غ. داود»، نادر ابراهیمی، محمود کیانوش، احمد محمود^{*} و بهمن فرسی نام برد. در سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ش، توجه به اختطاط فرهنگ و زندگی اهل قلم را به نگرش انتقادی نسبت به «شبه مدرنیسم» چیره بر جامعه و یافتن راه حل‌های بومی وا می‌دارد. «بازگشت به خویش» و سنتها، برای ضدّیت با تجدّد ترویج شده از «بالا»، زمینه را برای رشد جریانهای مذهبی - عرفانی شریعتی و آل احمد آماده می‌کند.

داستانهای بلند محمود دولت‌آبادی (متولد ۱۳۱۹ش)، آوستنۀ بابا‌سبحان (۱۳۴۷ش)، گواوه‌بان (۱۳۵۰ش) و سفر (۱۳۵۱ش)، حول مضمون شناسایی محیط روستایی و «بازیابی خانه پدری» نوشته شده است. ساختار داستانهای هوشنگ گلشیری^{*} (۱۳۱۶-۱۳۷۹ش)، شازده احتجاج (۱۳۴۸ش) و برۀ گمشده راعی (۱۳۵۶ش)، براساس جستجوی هویت فردی - اسطوره‌ای خویش در فضایی ترس زده و رو به زوال، شکل می‌گیرد. نویسنده‌گانی از قبیل سیمین دانشور و احمد محمود (۱۳۸۱-۱۳۱۰ش) در رمانهای سووژون (۱۳۴۸ش) و همسایه‌ها (۱۳۵۳ش)، بخش‌هایی از تاریخ معاصر را توصیف می‌کنند که تفسیرهای رسمی خواستار فراموشی آنهاست. بازیابی زمانهای از دست رفته، بن‌مایه آخرین آثار علوی، چوبک و گلستان را نیز تشکیل می‌دهد.

آثاری که در این دوره پدید می‌آید، از حیث کمی و کیف قابل توجه است. به طوری که می‌توان این سالها را مرحله گذار از آثار تجربی آغازین به ادبیات کمایش شکل گرفته تلقی کرد. شکوفایی ادبیات معاصر از سویی ناشی از دگرگونیهای اجتماعی دهه ۱۳۴۰ش، رشد جامعه شهری و گروههای روشنفکری، و از سوی دیگر نتیجه مسدود شدن راه فعالیتهای حزبی و سیاسی است. اگر در سالهای ۱۳۲۰-۱۳۳۰ش بیشتر توانِ روشنفکران صرف کارهای مطبوعاتی و حزبی می‌شد، در این دوره، این توان به سوی خلاقیتهای ادبی و هنری جریان می‌یابد (میرعبدیینی، ج ۱، ۲، ۴۰، ص ۸). این خلاقیتها در شاخه‌های گوناگون تجلی می‌یابد؛ از جمله می‌توان به شکل‌گیری گروهی از زنان نویسنده اشاره کرد که در آثار حدیث نفس‌گونه خود زندگی درونی پرمايه‌ای را به نمایش می‌گذارند: مهشید امیرشاھی، گلی ترقی، شهرنوش پارسی‌بور، میهن بهرامی، غزاله علیزاده، و نیز

سيمين دانشور، که شاهکار خود را در اين دوره منتشر کرد.

ادبيات روستايی و اقليمي، به عنوان نشانه‌اي از تلاش روشنفکران برای راهيابي به درون روستاهما، پيوند با خلق و جستجوی هوويت بومي، رشدی چشمگير داشت. گزارش‌های روستايي فراوانی در جنگهاي شهرستاني و مجلاتي از قبيل خوشة (دوره احمد شاملو) و فردوسي، به چاپ رسيد، که از ميان پديدآورندگان آنها، چند نويسنده سر برآوردنده: سيد حسین ميركاظمي (متولد ۱۳۲۱ش)، منوچهر شفياني (۱۳۴۶-۱۳۱۹ش)، امين فقيرى (متولد ۱۳۲۳ش)، نويسنده دهکده پرملا (۱۳۴۷ش)، و بهرام حيدري. نويسنده‌گانی چون صمد بهرنگي *-۱۳۱۸-۱۳۴۷ش)، محمود دولت‌آبادي، بهروز دهقاني و على اشرف درويشيان (متولد ۱۳۲۰ش)، نويسنده آبشوران (۱۳۵۴ش)، مشكلات روستا را به شکل ملموس‌تر مطرح کردند. همدردي با مردم بي چيز، و احساس معترضانه‌اي که درباره عدم رعایت عدالت اجتماعي دارند، مشخص کننده کار آنهاست.

غلامحسين ساعدي * (۱۳۶۴-۱۳۱۴ش) داستان‌نويس بزرگی است که از راز فضاهاي روستايي برای آفرينش رئاليسم و همناك خود بهره می‌جويد. او در عزاداران بيل * (۱۳۴۳ش) و قایع عادی روستا را با اعتقادات کابوسناک مردمی بدوي درمی‌آمizد و فضایي جادويي و نامتعارف می‌سازد. در واهمه‌های بي‌نام و نشان (۱۳۴۶ش)، فقر و جنون دهقانان کنده شده از زمين، روشنفکران آرمان باخته و ولگردان حاشيه‌نشين را توصيف می‌کند. در ترس و لرز (۱۳۴۷ش) زندگي بnderنشينان جنوب را در چنان فضای شگفتی روایت می‌کند که پيشتاز سبکي می‌شود که در زمان ما به «رئاليسم جادويي» شهرت يافته است. رمان توپ (۱۳۴۸ش) وصفی از

روستاهای آذربایجان در دوره انقلاب مشروطه است. ساعدی در گور و گهواره (۱۳۵۰ش) پنهان داشته ترین فضاحت‌های زندگی شهری امروز را عیان می‌کند.

ویژگیهای اقتصادی، فرهنگی و طبیعی خوزستان سبب رشد ادبیات اقلیم‌گرایانه در آنجا شد. احمد محمود، در غریبه‌ها (۱۳۵۰ش) و پسرک بومی (۱۳۵۰ش)، مسعود میناوی، ناصر تقوایی (متولد ۱۳۲۰ش)، در تابستان همان سال (۱۳۴۸ش)، ناصر مؤذن و نسیم خاکسار (متولد ۱۳۲۲ش) را می‌توان از میان نویسندهای جنوب نام برد. در میان نویسندهای شمال کشور، اکبر رادی، محمود طیاری، احمد مسعودی، ابراهیم رهبر، مجید دانش آراسته آثار خواندنی‌تری نوشته‌اند.

اما سالهای ۱۳۵۷-۱۳۵۴ش دوره توسعه مناسبات سرمایه‌داری و رشد شهرهای بزرگ بود. نویسندهای متعددی به نوشتن رمان، حماسه زندگی بورژوازی، روی آوردند. جمال میرصادق (متولد ۱۳۱۲ش) در رمانهای درازنای شب (۱۳۴۹ش) و شبچراغ (۱۳۵۵ش) و چند مجموعه داستان کوتاه، ضمن توصیف زندگی مردم محلات سنتی جنوب شهر و یادآوری خاطرات دوران کودکی، فسادهای زندگی شهری و بی‌عدالتیهای اجتماعی را تقبیح می‌کند. برآثار میرصادق احساسات غلبه دارد. اما مشخصه داستانهای فریدون تکابنی (متولد ۱۳۱۶ش)، طنزی اعتراضی است. ویژگی داستانهای نادر ابراهیمی (متولد ۱۳۱۵ش)، بینش اخلاقی و نثری خوش‌آهنگ و آکنده از جملات قصار است.

علی محمد افغانی (متولد ۱۳۰۴ش) در شوهر آهو خانم (۱۳۴۰ش)، جعفر شهری (۱۲۹۳-۱۳۷۸ش) در شکرتلخ^{*} (۱۳۴۷ش)، بهمن شعله‌ور (متولد ۱۳۲۰ش) در سفر شب

(۱۳۴۶ش)، زکريّا هاشمي (متولد ۱۳۱۵ش) در طوطى (۱۳۴۸ش)، رضا دانشور (متولد ۱۳۲۷ش) در نماز ميت (۱۳۵۰ش)، ايرج پژشكزاد (متولد ۱۳۰۶ش) در رمان طنزآميش دايى جان ناپلئون (۱۳۵۱ش)، بهمن فرسى (متولد ۱۳۱۲ش) در شب يك شب دو (۱۳۵۳ش)، اسماعيل فصيح (متولد ۱۳۱۳ش) در دل کور (۱۳۵۲ش)، محمود گلابرهاي (متولد ۱۳۱۸ش) در پرکاه (۱۳۵۳ش) جلوه‌های متنوعی از زندگی شهری و حیات طبقات اجتماعی گوناگون را توصیف می‌کنند.

توجه به جلوه‌های تجدّد در آثار برخی از نویسنده‌گان به صورت نفی شیوه‌های سنتی نگارش و گرایش به سبکهای نوشتاري معطوف به صورت (فورم)، تحلي می‌یابد. نویسنده‌گانی که حول جنگ اصفهان و اندیشه و هنرگردآمده بودند، به داستان به عنوان پژوهش می‌نگریستند. گلشيري در رمان شازده احتجاج و مجموعه داستانهای مثل همیشه (۱۳۴۷ش) و نمازخانه کوچک من (۱۳۵۴ش)، با تأکيد بر اهمیت صناعت نگارش، آشاری متشکّل آفرید. داستانهای محمد کلباسی، هرمز شهدادی، نویسنده رمان شب هول (۱۳۵۷ش)، شمیم بهار، علیمراد فدایی‌نیا، نویسنده رمان هیجادهم ارديبهشت بيست و پنج (۱۳۴۹ش) و عدنان غريفى نيز نشان از راه‌جويهای آنان برای آفرينش داستان مدرن دارد.

نوخيزان: از ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۷ ش

پس از انقلاب اسلامي و فروريزی نظام شاهنشاهي، ادبیات معاصر ايران به تدریج چنان مشخصات بارزی می‌یابد که می‌توان از آن به عنوان آغاز يك دوره تازه ادبی سخن گفت؛ دوره‌ای که، ضمن داشتن پيوند با سنت داستان‌نويسی ايراني، رو به صناعتهای نوين نگارش و مضمونهای جديد دارد. تغيير خواه دیدن نسلی که از آتش

انقلاب و جنگ و تبعات سیاسی و اقتصادی آنها گذشته است سبب تغییر حساسیت‌های ادبی می‌شود. همین تغییرهاست که ادبیات یک دوره را از ادبیات دیگر دوره‌ها متایز می‌سازد.

از همین‌رو، می‌توان از شکل‌گیری ادبیات با عنوان «ادبیات انقلاب اسلامی» یاد کرد. نخستین آثار داستانی که در این زمینه نوشته شد جنبه گزارشی داشت، مانند لحظه‌های انقلاب، اثر محمد گلابدره‌ای یا گام به گام با انقلاب، از اکبر خلیلی، که خاطرات نویسنده‌گان آنها از ایام انقلاب است. آثار متعددی نیز با جنبه استنادی در افسای سیاهکاریهای رژیم شاه پدید آمد. آن‌گاه نویسنده‌گانی مانند ناصر ایرانی، اسماعیل فضیح، احمد محمود، محسن مخلباف، قاسمعلی فراست، جواد مجابی و رضا براغی، در قالب رمان، به موضوع انقلاب پرداختند.

در سال ۱۳۵۸ش، «حوزه اندیشه و هنر اسلامی»، به کوشش جمعی از شاعران و نویسنده‌گان، تشکیل شد که بر نقش دین در هنر و ادبیات تأکید داشت و داستان‌نویسان تازه‌ای تربیت کرد.

این نویسنده‌گان، با شروع جنگ تحملی در پایان تابستان ۱۳۵۹ش، «ادبیات جنگ» را پدید آوردند. مجموعه داستانهای در چشم بی‌سو (۱۳۶۳ش)، نوشته محسن مخلباف و شش تابلو (۱۳۶۰ش)، اثر عبدالحی شماسی، داستان بلند مرغ آمین (۱۳۶۰ش)، از سیروس طاهیاز و زمین سوخته (۱۳۶۲ش)، اثر احمد محمود را می‌توان از نخستین آثار ادبیات جنگ دانست. از سال ۱۳۵۹ش، نوشنده‌دان در مورد انقلاب کاستی گرفت و نگارش داستان در مورد جنگ آغاز شد، که در سال ۱۳۶۹ش به اوج خود رسید. در طی این دهه، نزدیک به ۱۶۰۰ عنوان داستان کوتاه در مجلات و مجموعه داستانها و ۴۶ رمان و داستان بلند انتشار یافت (حدّاد،

ص ۴۵-۳۸). «تقریباً هیچ نویسنده‌ای نسبت به جنگ و پی‌آمدهایش بی‌تفاوت نماند... به طوری که از ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۳ بیش از ۲۵۸ نویسنده از زندگی روزانه در جبهه‌ها، عملیات نظامی، شکنجه در بازداشتگاههای دشمن، آشفتگی زندگی در مناطق غیرنظامی، جنگ شهرها و کشته‌ها و ویرانیها، آوارگی مردم جنگ‌زده و تعارضهای پدید آمده میان مهاجران و مردم شهرهای مهاجرپذیر نوشتهند» (میر عابدینی، ج ۲، ص ۸۹۹).

نخستین «سینیار بررسی رمان جنگ در ایران و جهان» برای بررسی کارهای صورت گرفته در این زمینه در سال ۱۳۷۲ش برگزار می‌شود. نهادهای گوناگون دفاتری برای حمایت و گسترش ادبیات انقلاب اسلامی و جنگ دائرج می‌کنند. «حوزه هنری»، ضمن تأسیس «دفتر ویژه ادبیات انقلاب اسلامی»، مجله ادبیات داستانی را تأسیس می‌کند. این نشریه از آبان ماه ۱۳۷۱ش جانشین جنگ سوره می‌شود که پانزده شماره آن منتشر شد. «دفتر هنر و ادبیات ایثار» از سال ۱۳۶۹ش، نویسنده‌گان را به نوشن رمانهایی درباره جانبازان فرا می‌خواند. در آذرماه ۱۳۶۷ش «دفتر ادبیات و هنر مقاومت» حوزه هنری با هدف «گردآوری و تدوین آثار ادبی و هنری به جای مانده از دوران دفاع هشت ساله» به مسئولیت مرتضی سرهنگی تأسیس می‌شود و طیّ یک دهه بیش از چهارصد عنوان خاطره، یادداشت‌های روزانه رزمندگان، داستان و نمایشنامه و فرهنگ جمهه انتشار می‌یابد. مرکز فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز از سال ۱۳۷۳ش، به منظور توسعه فرهنگ و ادبیات دفاع مقدس، اقدام به چاپ کتاب در این زمینه می‌کند. همچنین می‌توان از «بنیاد حفظ آثار جنگ» و «واحد جنگ وزارت ارشاد اسلامی» یاد کرد. بدین‌سان آثار گوناگونی در زمینه جنگ و انقلاب پدید می‌آید؛ مثل: باغ‌بلور

(۱۳۶۵ش) محسن محملباف، ریشه در اعماق (۱۳۷۳ش) ابراهیم حسن‌بیگی، نخلهای بی‌سر (۱۳۶۳ش) و گلاب خانم (۱۳۷۴ش) قاسمعلی فراتست، عشق سالهای جنگ (۱۳۷۳ش) حسین فتّاحی، قاصدک (۱۳۷۱ش) و ملاقات در شب آفتایی (۱۳۷۴ش) علی مؤذنی، ترکه‌های درخت آبالو (۱۳۶۸ش) اکبر خلیلی، زمستان ۶۲ (۱۳۶۶ش) اسماعیل فصیح، عروج (۱۳۶۳ش) ناصر ایرانی، خوابهای تلخ عمران (۱۳۷۰ش) سیدیاسر هشتودی، دوشنبه‌های آبی ماه (۱۳۷۵ش) محمدرضا کاتب، پل معلق (۱۳۸۱ش) محمدرضا بایرامی، فال خون داود غفارزادگان، سفر به گرایی دویست درجه (۱۳۷۵ش) احمد دهقان، گنجشکها بهشت رانمی‌فهمند (۱۳۷۶ش) حسن بنی‌عمری، دل دلدادگی (۱۳۷۷ش) شهریار مندی‌پور، شعله‌ها در آب (۱۳۷۸ش) مرتضی مردیها، ارمیا (۱۳۷۴ش) رضا امیرخانی و هلال پنهان ماه (۱۳۷۷ش) علی‌اصغر شیرزادی و آثاری از نویسندهای چون سیدمهدي شجاعی، فیروز زنوزی جلالی و دیگران.

در بررسی ادبیات انقلاب اسلامی نیز آثاری منتشر شده است: به سوی داستان‌نویسی بومی (۱۳۷۶ش) عبدالعلی دستغیب، تفنج و ترازو (۱۳۸۰ش) بلقیس سلیمانی، درآمدی بر خاطره‌نویسی و خاطره‌نگاشته‌ها در گستره ادب مقاومت و فرهنگ جبهه، اثر علیرضا کمرهای، نیم نگاهی به هشت سال قصه جنگ (۱۳۷۰ش) رضا رهگذر.

«نویسندهای داستانهای جنگ در دهه ۱۳۶۰ش از خطوط مقدم جبهه گزارش می‌دادند یا خاطرات رزم و چگونگی به شهادت رسیدن همزمان را به یاد می‌آوردند و تجربه‌های شرکت در مخاصمه را به مضمون اصلی داستانهایشان تبدیل می‌کردند. اما در دهه

۱۳۷۰ش با پایان یافتن جنگ، بخش عمدہ‌ای از این ادبیات به شرح بازگشت رزم‌مندگان از جبهه اختصاص می‌یابد. اغلب نویسنده‌گان، داستان سربازانی را می‌نویسند که به خانه بر می‌گردند» و با دنیا تازه‌ای مواجه می‌شوند (میر عابدینی، ج ۳، ص ۱۲۸۱).

ادبیات جنگ طی دو دهه‌ای که از عمر آن گذشته تغییرات صناعی و مضمونی گوناگونی را از سر گذرانده است که پژوهش در آنها از نظر اجتماعی و ادبی واجد اهمیت است.

در دو دهه اخیر، رمانها و مجموعه داستانهای متعددی منتشر شده است که نشان از روی آوردن بخش عمدہ‌ای از جامعه روشنفکری به دیگر حوزه‌های ادبیات دارد.

تحولات اجتماعی و روان شناختی، غربت روحی و تنها‌تر شدن انسانها در سیر پر اضطراب زندگی امروز، افزایش باسواندان، تمايل عمومی به ادراک عمیق‌تر مسائل و رشد کتاب‌خوانی باعث افزایش خوانندگان ادبیات ایران شد. پیش از انقلاب، قشر خواننده عمدتاً محدود به دانشجویان و روشنفکران بود. اما در این سالها گروههای اجتماعی متنوع‌تری به داستان‌خوانی روی آورده‌اند. گروهی رمان را برای سرگرم شدن می‌خوانند. از این رو، نویسنده‌گان بسیاری به نوشتن رمانهای عامه‌پسند روی آورده‌اند. یکی از این رمانها، بامداد خمار (۱۳۷۴ش)، نوشته فتنه حاج سید‌جوادی، به دلیل مضمون جسورانه و ساختان به قاعده‌اش، توجه خاص و عام را برانگیخته است.

برخی نیز می‌کوشند تا، به واسطه رمان، در احوال خود و جامعه بیندیشند و معنی وجودی خود را دریابند. این نوع رمانها را نویسنده‌گانی می‌نویسند که، بر خلاف نویسنده‌گان دهه ۱۳۵۰ش، چشم‌انداز اجتماعی مشخصی ندارند. در جهانی که یکپارچگی اش را

از دست داده، ادراک نویسنده نیز از همه سو درمعرض تحریف است. نظر او هم تنها یکی از امکانها برای کشف حقیقت است. تردید در یقینهای عقیدتی و نوشتن از تجربه‌های زیسته، بارزترین صفات ادبیات این دوره را تشکیل می‌دهد. نویسنده، بی‌آنکه از پرداختن به مشکلات زمانه پیرهیزد، داعیه سخن‌گویی از جانب همگان را ندارد و عمده‌تاً خود را در مقابل صناعت نوشتن متعهد می‌داند. این گرایش، هم ناشی از شرایط فرهنگی-سیاسی جامعه و هم نتیجه آشنایی عمیق‌تر نویسندگان با شیوه‌های تازه نوشتن است. هیجانهای اجتماعی این دوره چنان وسعت و عمق داشته که شعر توان طرح مسائل مربوط به آنها را از دست داده است. زندگی چنان بفرنج شده که همه جانبه‌ترین و غنی‌ترین طرز بیان ادبی آن رمان است.

برای بررسی دست‌آوردهای ادبی این دوره، نخست به تازه‌ترین آثار پیشگامان و نسل میانه می‌پردازیم و آنگاه تلاش‌های نوخبازان را مرور می‌کنیم.

آثار هدایت و چوبک تاساها تجدید چاپ نمی‌شود. آخرین آثار علوی، موریانه (۱۳۶۸ش) و روایت (۱۳۷۷ش)، شوقی برگی انگیزد. از گلستان، داستان خرسوس (لنن)، منتشر می‌شود. آثار آل احمد به شکلهای گوناگون به چاپ می‌رسد، اما زندگی نامه خودنوشت او، سنگی برگوری (۱۳۶۰ش)، فقط یک بار انتشار می‌یابد. آخرین آثار ساعدی یا منتشر نشده یا در مجموعه‌های خارج از کشور به چاپ رسیده و کمتر در دسترس بوده است. از میان آثار منتشر شده‌اش، مجموعه داستان آشته حalan بیدار بخت (۱۳۷۷ش) ارزش ادبی بیشتری دارد.

در نخستین سالهای پس از انقلاب، نویسندگان درگیر بحثهای روز و نوشتن برای روزنامه‌ها می‌شوند و فرصت تأمل و آرامش لازم

برای پدیدآوردن آثار خلاق غنی‌یابند. گزارش روزهای انقلاب، توصیف مبارزات مردمی و وضعیت زندانیان سیاسی رژیم شاه، عمدت‌ترین موضوعهای مورد توجه نویسنده‌گان این دوره است. داستانهای خاکسار، درویشیان، امیرحسن چهل‌تن، هوشنگ عاشورزاده، رضاپراهنی (متولد ۱۳۱۴ش) در آواز کشتگان (۱۳۶۲ش) و رازهای سرزمین من (۱۳۶۶ش) و سیمین دانشور در رمان جزیره سرگردانی (۱۳۷۲ش)، نمونه‌ای از این نوع ادبیات است. گروهی از نویسنده‌گان قهرمان اصول‌گرای خود را از میان مردم اعماق بر می‌گزینند تا ضمن توصیف نشیب و فراز زندگی او، شرحی از تحول تاریخی منتج به انقلاب بدھند. در این زمینه می‌توان از رمانهای باده‌خبر از تغییر فصل می‌دادند (۱۳۶۳ش) نوشته میرصادق، سالهای ابری (۱۳۷۰ش) اثر درویشیان، طبل آتش (۱۳۷۰ش) نوشته علی اصغر شیرزادی (متولد ۱۳۲۳ش) و مدار صفر درجه (۱۳۷۲ش) از احمد محمود یاد کرد.

ادبیات اقلیمی و روستایی در نوشه‌های دولت‌آبادی حیات تازه‌ای می‌یابد، به طوری که رمانهای جای خالی سلوچ (۱۳۵۸ش) و کلیدر (۱۳۶۳ش) موچی از داستانهای اعتراضی دهقانی در پی خود می‌آورد. رمان دیگر او روزگار سپری شده مردم سالخورده (۱۳۶۹ و ۱۳۷۲ش) در سه جلد منتشر شده است. دولت‌آبادی اضمحلال زندگی قهرمانان خود را برمی‌بینی فروپاشی نظام تولیدی و معیشتی روستای سنتی پیش می‌بَرَد. او احمد محمود، دو نویسنده برجسته رمان رئالیستی، شخصیت‌ها را به عنوان محصولات محیط اجتماعی به غاییش در می‌آورند.

بهرام حیدری، در لالی (۱۳۵۸ش)، و پرویز زاهدی (متولد ۱۳۲۴ش)، در کابوس اقلیمی (۱۳۶۹ش) زندگی مردم بختیاری و

شیوه گذران ایلیات را به نحو متقاعدکننده‌ای تصویر می‌کنند. از نویسنده‌گان جوان‌تر، که در توصیف فضای جنوب قلم زده‌اند، کار اصغر عبداللهی (متولد ۱۳۳۴ش) و محمد رضا صفری (متولد ۱۳۳۳ش) از بقیه چشمگیر‌تر است. منیرو روانی‌پور (متولد ۱۳۶۸ش) در رمان *أهل غرق* (۱۳۶۸ش)، با تکیه بر اعتقادات عامیانه ساحل‌نشینان جنوب، فضایی جادویی ساخته است که ب شباهت به فضای رمانهای مارکز نیست.

در سالهای پس از جنگ، با تغییر فضای اجتماعی-روحی، تلقی نویسنده‌گان از وظیفه ادبیات، دگرگون می‌شود. پژوهش در صورت (فورم) و زبان و خیال‌ورزی بر نظریه پردازی ترجیح داده می‌شود. خیال‌پردازی‌های عرفانی-اساطیری، عشق و خاطره، مهاجرت گفتارهای مسلط ادبیات این مقطع زمانی را تشکیل می‌دهد. گرایش به رئالیسم جادویی، همناشی از ترجمه رمانهای نویسنده‌گان امریکای لاتین است، و هم نشان‌دهنده بحران دگرگونی ارزشها: آنچه وهم پنداشته می‌شد به شکلی اغراق‌آمیز پیش چشمان همگان جریان می‌یابد و آنچه واقعیتی مطمئن انگاشته می‌شد وهمی است که هر دم به رنگی در می‌آید. پارسی پور در *طوبا و معنای شب* (۱۳۶۷ش)، مددزی در کتاب *آدمهای غایب* (۱۳۶۸ش) و آداب زیارت (۱۳۶۸ش)، براهنی در رازهای سرزمین من به افسون افسانه، نوری خیالی بر تاریخ می‌افکنند تا جلوه‌های پوشیده از نظر آن را آشکار کنند.

قهرمانان این داستانها در جستجوی مرادی عارف‌اند تا کابوس‌هایشان را تسلی بخشد؛ اضطراب و دلهره‌ای که زندگیشان را فرا گرفته، با احساس و همناکی از غربات هستی و فروریزی حس زمان و مکان در می‌آمیزد. شهریار مندی‌پور (متولد ۱۳۳۵ش)، در هشتمین

آدبياتِ داستاني ۴۳

روز زمين (۱۳۷۱ش) و مومنيا و عسل (۱۳۷۵ش) و رضا جولابي (متولد ۱۳۲۹ش)، در داستانهای تاریخ‌گرایانه جامه به خوناب (۱۳۶۸ش) و شب ظلماني يلدا و حدیث دردکشان (۱۳۶۹ش)، رازگونگي هستي را در قالب نوعی داستان پژوهشی بازتاب می‌دهند که خالی از تأثیر نوشتنهای بورخس و داستان پلیسي نیست.

گلشيري، از طریق بازگشت به سرچشمه‌های ادب بومي و پيوند زدن آن با دست‌آوردهای جهانی داستان‌نويسی، طرحی نو در می‌اندازد. معصوم پنجم یا حدیث مرده بردار کردن آن سوارکه خواهد آمد (۱۳۵۸ش)، رمان آينه‌های دردار (۱۳۷۱ش) و مجموعه دست‌تاريک، دست‌روشن (۱۳۷۴ش) را از ميان کارهای او می‌توان نام برد.

جواد مجابي نيز، در مجموعه از دل به کاغذ (۱۳۶۹ش) و رمانهای مومنيابي (۱۳۷۲ش) و جيم (۱۳۷۷ش)، با استفاده از صورت (فorm) قصه‌های کهن ايراني، تصویری از رابطه انسان امروز با گذشته به دست می‌دهد. در آثار جعفر مدرّس صادق (متولد ۱۳۳۳ش)، تلاش برای ايجاد نوع تازه‌ای از رمان که ويزگي افسانه‌های کهن را داشته باشد، حسن می‌شود. گاوخونی (۱۳۶۲ش)، سفر کسرا (۱۳۶۸ش) و ناکجا آباد (۱۳۶۹ش)، از ميان کارهای متعددش، نام‌بردنی است. محمد محمدعلی (متولد ۱۳۲۷ش) نيز در رمان باورهای خيس يك مرده (۱۳۷۶ش)، مضمونی امروزی را با خواب و خيالهای قومی در می‌آمیزد و تركيب تازه‌ای از حكايت‌نويسی ايراني و شگردهای داستان‌نويسی امروزی جهان ارائه می‌دهد. عباس معروف (متولد ۱۳۳۶ش)، در رمانهای سمفوني مردگان (۱۳۶۸ش) و سال بلوا (۱۳۷۱ش)، و على مؤذنی در رمان نوشدارو (۱۳۷۰ش)، به رماتيسمي عاشقانه، به عنوان چاره‌گرسنگی روحی

ناشی از خشونتها می‌گرند.

گلابدزهای در دال (۱۳۶۵ش) و فصیح در شریا در ا Gamma (۱۳۶۲ش) از مهاجرت سخن می‌گویند و ضمن تعمق در احوال ایرانیان مهاجر، مروری بر حیات عاطفی و سیاسی نسلی شکست خورده دارند. در رمان خانه ادریسی‌ها (۱۳۷۱ش) نوشته غزاله علیزاده (۱۳۷۵-۱۳۲۵ش)، خاطره‌های پراکنده (۱۳۷۲ش) اثر گلی ترقی (متولد ۱۳۱۸ش) و در داستانهای پارسی پور (متولد ۱۳۲۴ش)، حسرت «خانه» از دست رفته به جستجوی حسرت آمیز گذشته و وطن مبدل می‌شود، و مفهوم خانه با مهاجرت و تبعید ربط می‌یابد.

نویسنده‌گان بسیاری در عرصه داستان‌نویسی امروز ایران قلم می‌زنند و، با برگزیدن سبکهای نگارشی متنوع، می‌کوشند تا خود را از دیگران متمایز سازند. داستان‌نویسان متعددی که تجارت اویله خود را در سالیان قبل به دست آورده‌اند در این دوره شاهکارهایشان را منتشر می‌کنند، مثل فصیح و دولت‌آبادی. نویسنده‌گان متعددی نیز کار خود را پس از انقلاب شروع می‌کنند. البته هنوز زمان قضاوی قاطع درباره کار آنان فرا نرسیده است، زیرا آنها در نیمه راه آفرینش ادبی خویش‌اند و هنوز نتوانسته‌اند چهره ادبی متمایز خود را بشناسانند.

برخی از نامهای مطرح در آخرین سالهای بررسی ما عبارت‌اند از: سیدحسین میرکاظمی با رمان یورت (۱۳۷۰ش)، بیژن نجدی (۱۳۷۶-۱۳۲۰ش)، نویسنده یوزپلنگانی که با من دویشه‌اند (۱۳۷۳ش)، بیژن بیجاری، داود غفارزادگان، ابوتراب خسروی، محمد زرین، علی خدایی، ناهید طباطبایی، فرخنده آقایی، زویا پیرزاد، حسین سناپور.

مسائل اجتماعی امروز مضمونهای جدیدی را پیش روی

نویسنده‌گان قرار داده است، و آنان برای آنکه از عهده پرداخت این مضماین برآیند، در پی دستیابی به زبانی غنی تر و صناعتهایی کارآمدترند و همین امر ادبیات داستانی امروز را واجد خصلتی جستجوگرانه کرده است.

منابع: آخوندزاده، فتحعلی، تمثیلات، به کوشش باقرومی، تهران، ۱۳۴۹ ش؛ آدمیت، فریدون، اندیشه‌های میرزا آفخان کرمانی، تهران، ۱۳۵۷ ش؛ آربین پور، یحیی، از صبا تانیما، تهران، ۱۳۵۰ ش؛ بالایی، کریستف، پیدایش رمان فارسی، ترجمه مهوش قویی و نسرین خطاط، تهران، ۱۳۷۷ ش؛ چراغی، رحیم، «سندي از داستان نويسى ايران پيش از سيد محمدعلی جمالزاده»، هنر و پژوهش، تهران، ۱۳۷۷ ش؛ حداد، حسین، «نگاه آماری به قصه‌های جنگ»، ادبیات داستانی، ش ۲۴، مهر ۱۳۷۳ ش؛ حق‌شناس، علی محمد، «رمان و عصر جدید در ایران»، نگاه نو، ش ۲۹، تهران، ۱۳۷۵ ش؛ دستغیب، عدلالعلی، «وضعیت رمان فارسی»، ادبیات داستانی، ش ۶، بهار ۱۳۷۷ ش؛ سپانلو، محمدعلی، نویسنده‌گان پیشرو ایران، تهران، ۱۳۶۲ ش؛ مصباحی پور ایرانیان، جشید، واقعیت اجتماعی و جهان داستان، تهران، ۱۳۵۸ ش؛ مؤذنی، علی، مجموعه مقالات سمینار بررسی رمان جنگ، تهران، ۱۳۷۳ ش؛ میر عابدینی، حسن، صد سال داستان نویسی ایران، تهران، ۱۳۷۷ ش.

حسن میر عابدینی

نُخْسِتِينْ كُنَّگَرَهْ نُويِسِنْدِگَانِ ايران

پس از سقوط حکومت رضا شاه، در سوم شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش، ایرانیان فرصت یافتند که دموکراسی نسبی و آزادی سیاسی و فرهنگی را تجربه کنند. در این دوره زمانی، احزاب سیاسی و مجامع اجتماعی و فرهنگی شکل گرفتند و طرفداران انواع مشربها زبان گشودند. یکی از این مجامع «نخستین کنگره نویسنده‌گان ایران» بود که به ابتکار کمیسیون ادبی «انجمان روابط فرهنگی ایران و شوروی» و به منظور توسعه روابط دو کشور، با حضور هفتاد و هشت شاعر و نویسنده سنتگرا و نوگرا، از چهارم تا دوازدهم تیرماه ۱۳۲۵ش در محل باغ خانه فرهنگ شوروی برگزار شد. اثر آفرینان از طرف رئیس هیئت مدیره انجمان ایران و شوروی برای شرکت در کنگره دعوت شده بودند. چند تن از مدعوین، محمد قروینی^{*}، ناصرالله فلسوف، محمد حجازی^{*}، عباس اقبال آشتیانی، علی‌اکبر فیاض، عبدالعظيم قریب‌گرکانی در کنگره حضور نیافتدند، و کسانی چون علی دشتی^{*}، عباس خلیلی و صادق سرمد^{*} برای شرکت در آن دعوت نشدند (صالحی، ص ۵۳). هر روز، علاوه بر شاعران و نویسنده‌گان مدعو، گروهی از روزنامه‌نگاران و محصلان نیز در جلسات حاضر می‌شدند. جلال آل‌احمد، در نامه‌ای به نیا، کنگره را محفلی وابسته به حزب توده ایران می‌داند، و بر آن است که در آن «هر قافیه‌بندی و

هر مقاله‌نویس روزنامه‌ای را در صف دهخدا کشیده‌اند» (آل‌احمد، به نقل از صالحی، ص ۶۸).

در مراسم افتتاحیه، احمد قوام، «قوام السّلطنه»، نخست وزیر، و «садچیکوف»، سفیر شوروی در ایران، حضور داشتند. مشهورترین شاعر و وزیر فرهنگ وقت، ملک الشّعراء بهار، ریاست کنگره را عهده‌دار شد و اعتباری به آن بخشید. نایندگان مشرب‌های متعدد ادبی، کریم کشاورز، صادق هدایت^{*}، میلانی، بانو سرور مخصوص، علی‌اکبر دهخدا^{*}، بدیع‌الزّمان فروزانفر، علی‌اصغر حکمت، دکتر شایگان بر مسند هیئت رئیسه آن نشستند. از روز ۶ تیر، و به پیشنهاد رئیس کنگره، نویسنده‌گان روس، ورا ایزن و الکسی سورکف، نیز به هیئت رئیسه پیوستند. این ترکیب ترجمان طیف گرایش‌های گوناگونی شد که در این کنگره حضور یافته بودند. به‌طوری که بهار در سخنرانی افتتاحیه گفت: تا امروز کسی جلسه‌ای را که مجموع ادب‌ها و نویسنده‌گان کشور در آن حضور داشته باشد به یاد ندارد. در دربار محمود غزنوی نیز چنین مجمعی از فضلا و شуرا در یک زمان گرد نیامده بود. گزارش جلسات و متن سخنرانیها در مجله پیام نو و هم، به صورت کتاب نخستین کنگره نویسنده‌گان ایران (۱۳۲۶ش)، چاپ و منتشر شد.

علی‌اصغر حکمت و پرویز ناتل خانلری^{*}، به ترتیب، درباره نظم و نثر فارسی معاصر سخن گفتند. احسان طبری و فاطمه سیّاح کوشیدند تا، با اشاره به آراء منتقدان روس، مانند بلینسکی^۱ (۱۸۱۰-۱۸۴۸م) و چرنیشفسکی^۲ (۱۸۲۸-۱۸۸۹م)، وظیفه نقد ادبی را به شیوه‌ای نظری مطرح کنند. نویسنده‌گان روس، در ستایش از رئالیسم

1. Belinski

2. Chernyshevsky

سوسیالیستی و ادبیات شوروی، داد سخن دادند. ضمن بحث و انتقاد درباره سخنرانیها، نوعی برخورد فکری بین نویسنده‌گان پیش آمد که نشان‌دهنده مباحث تازه‌ای در ادبیات معاصر ایران بود.

سخنرانان، با بررسی مسائل گوناگون ادبی، کوشیدند تا مسیر آینده آنها را ترسیم و برای کارگزاران ادبی خطّ مشی تعیین کنند. بهار، در سخنرانی افتتاحیه، اظهار امیدواری کرد که همان‌طور که جنبش مشروطه موجد حرکتی ادبی شد، جنبش ادبی ساهمای پس از جنگ جهانی دوم نیز پدید آورنده مکتبی ادبی شود. بزرگ علوی^{*}، که در اجرای این طرح نقش مهمی داشت، از کنگره خواست که «برای نظم و نثر آینده تیجه بگیرد»، زیرا، همچنان که در سیاست و اقتصاد، «باید در ادبیات هم نقشه داشت». خانلری ضمن ارائه گزارش تاریخی منسجمی از تحول ادبی معاصر، وظیفه اثرافرینان را حفظ آزادی به دست آمده پس از سقوط رضاشاه، و کوشش برای هماهنگ شدن با هنر و ادبیات ملت‌های پیشرفت‌هه دانست (ناتل خانلری، ج ۳، ص ۱۷۴-۱۷۵). چند تن دیگر، از جمله عبدالحسین نوشین و لطفعلی صورتگر و رعدی آذرخشی^{*}، نیز سخنرانی کردند و جمعی از شاعران، از جمله نیا یوشیج^{*} و فریدون تولّی^{*} و محمدعلی افراسته، اشعار خود را خواندند. («جمیدی شیرازی هجویه‌ای در مذمت شعر نو و نیا آماده کرده بود که بهار به دلیل توهینهای آشکار از ادامه خواندن آن جلوگیری کرد... البته قطع شدن برق سالن به هنگام حضور نیا در پشت میز خطابه بعدها به حساب توطئه سنتگرایان گذاشته شد») (صالحی، ص ۵۷).

با این همه، برگزاری کنگره موقعیت مساعدی برای نوگرایان فراهم آورد. خانلری آنجا را «نخستین صحنه زورآزمایی موج نو و گروه کهنه» می‌داند و می‌گوید: «از آنجا که ملک‌الشعرای بهار زیرکانه

به ریاستش انتخاب گردیده بود، به موج کهنه مجال خودنمایی زیادی داده نشد و، از سوی دیگر، چون دستگاه تبلیغاتی جناح چپ به نفع کنگره بود و این دستگاه نیز خواه ناخواه جوانها را که به موج نو توجّه داشتند تقویت می‌کرد، اسباب و موجبات را فراهم آورد که نوگرایان و نوجوانان بیشتر معرفی شوند و بهتر درباره آنها تبلیغ به عمل آید. در نتیجه صادق هدایت، از آن لحظه به بعد، به طرز شایسته‌تری شناخته شد و می‌توان گفت که تقریباً ارزش و مقام ادبی وی به مردم و حداقل به جوانان و روشنفکران آن‌روزی شناسانیده شد» (نائل خانلری، ج ۳، ص ۳۵۰).

کنگره به وظیفه‌ای که روشنفکران این سالها از ادبیات توقع داشتند رسیت بخشید و کوشید تا، با تأکید بر نقش اجتماعی هنر، در ادبیات معاصر تأثیر بگذارد. «رهنمودهای قطعنامه کنگره تا چند دهه بر روح ادبیات ایران حاکم شد؛ نه برای ارج و اعتباری که کنگره داشت، چون پس از اندک زمانی هر یک از شرکت‌کنندگان پراکنده شدند و به راهی رفتند، بلکه برای اینکه قطعنامه بیان‌کننده خواسته‌ای سیاسی و اجتماعی زمانه و مبین انتظاری بود، که خوانندگان جوان‌تر از ادبیات، و تصوّری بود که اهل قلم از وظیفه خود داشتند» (مسکوب، ص ۵۵۸).

در این کنگره، نخستین بار، گروهی از نامدارترین ادبیان ایران، با مشربهای فکری و ادبی گاه متضاد، برای بحث درباره ادبیات فراهم آمدند. آنان در قطعنامه کنگره خواستار آن شدند که شاعران و نویسندهای «سنت دیرین ادبیات فارسی، یعنی طرفداری از حق و عدالت و مخالفت با ستمگری و زشتی، را پیروی کنند»؛ «در جستجوی اسلوهای سبکهای جدیدی که ملائم و منطبق با زندگی کنونی باشد برآیند، و انتقاد ادبی سالم و علمی را، که شرط لازم

پیدایش ادبیات بزرگ است، ترویج کنند»؛ آنان، در مهم‌ترین بند از بیانیه، تصمیم گرفتند که «یک کمیسیون تشکیلات مؤقتی، که بنیاد اتحاد گویندگان و نویسنده‌گان ایران را پی‌ریزی کند» شکل گیرد (نخستین کنگره نویسنده‌گان ایران، ص ۳۰۳). اما سیر رویدادهای سیاسی، مخالفت دولتها با تشکیل اثراً فرینان، و پراکندگی نویسنده‌گان، باعث شد که «اتحاد نویسنده‌گان ایران» شکل نگیرد. به هر روی، قطعنامه کنگره چکیده این واقعه ادبی و گواهی معتبری از حیات فرهنگی جامعه در یک دوره زمانی خاص به شمار می‌آید.

منابع: صالحی، انوش، «جدال نو و کنه در نخستین کنگره نویسنده‌گان ایران - تیرماه ۱۳۲۵»، زنده رود، ش ۵۸، پاییز ۱۳۹۳ ش؛ مسکوب، شاهرخ، «نگاهی به شعر معهّد فارسی در دهه سی و چهل»، ایران‌نامه، س ۷، ش ۴، تابستان ۱۳۶۸ ش؛ ناتل خانلری، پرویز، هفتاد سخن، تهران، ۱۳۶۹ ش؛ نخستین کنگره نویسنده‌گان ایران، تهران، ۱۳۲۶ ش، تجدید چاپ: ۱۳۵۷ ش.

حسن میر عابدینی